

دموکراسی سازی و مباشرپروری: چرا دموکراسی های جوان، بد اداره می شوند؟*

نویسنده: فیلیپ کیفر

مترجم: جعفر خیر خواهان**

چکیده:

این مقاله به شناسایی و تبیین تفاوت در عملکرد نظام مند بین دموکراسی های جوان تر و پیرتر می پردازد: دموکراسی های جوان تر فاسدتر هستند؛ آنها حاکمیت قانون کمتر، نظام اداری بی کیفیت تر و ثبت نام مدارس پایین تر را به نمایش می گذارند؛ و مخارج بیشتری صرف سرمایه گذاری عمومی و حقوق کارکنان دولتی می کنند. یک تبیین برای چنین مشخصه هایی این است که دموکراسی های جوان اعتبار کمتری دارند. کیفر و ولایکو (۲۰۰۴) استدلال می کنند ناتوانی رقبای سیاسی برای دادن وعده های معتبر به شهروندان، آنها را به تولید کالای عمومی غیرمولد، پرداخت های انتقالی بیش از حد به گروه های کوتاه بین رأی دهندگان و اقدام به رانت جویی افراطی می کشاند. با انجام انواع آزمون ها، مشخص گشت این تنها نظریه ای است که عملکرد دموکراسی های جوان را تبیین می کند. اثر عمر دموکراسی ها همچنان باقی است حتی زمانی که این احتمال ها را کنترل می کنیم که رأی دهندگان در دموکراسی های جوان، ناآگاه تر هستند، اینکه دموکراسی های جوان نهادهای سیاسی و انتخاباتی به طور منظم متفاوتی داشته یا که دارای جوامع قطب بندی شده تری هستند.

* این اثر ترجمه ای است از:

Philip Keefer, (2005), "Democratization and clientelism: Why are young democracies badly governed?" World Bank Policy Research Working Paper 3594 (May).

** دکترای اقتصاد



بسیاری از دموکراسی‌ها در ارائه خدمات عمومی یا حمایت از حقوق اقتصادی یا انسانی از بسیاری حکومت‌های خودکامه عقب‌تر هستند. پیشبردهای اخیر به ادبیات بحث دموکراسی، معما بودن این قضیه را مورد تأکید قرار می‌دهد. برای مثال عجم اوغلو و همکاران (۲۰۰۲) و سایرین استدلال می‌کنند که حق رأی همگانی، انتخابات رقابتی و محدودیت‌ها بر قوه مجریه باید اثر عمیقی بر امنیت حقوق مالکیت داشته باشد. انگرمن و سوکولف (۲۰۰۲) استدلال می‌کنند که همگانی شدن حق رأی باید راه را برای دسترسی وسیع‌تر به تحصیلات عمومی باز کند. با اینحال شواهد نشان می‌دهد که صرف وجود انتخابات و نظارت و موازنه سیاسی ظاهراً تضمین‌کننده عملکرد بالاتر دولت نیست دقیقاً همانطور که ادبیات گسترده‌ای، رابطه‌ای اندک بین دموکراسی و رشد اقتصادی پیدا کردند.

تبیین طبیعی برای عملکرد دموکراتیک نابرابر، ناهمگونی شدید دموکراسی‌ها است. اما اینکه دقیقاً کدام جنبه از ناهمگونی، بیشترین اهمیت را در عملکرد دولت دارد هنوز واضح نیست. حقیقتاً حتی تعریف ابعاد ناهمگونی، کاری دشوار است. برای مثال پیشبردهای کلاسیک از ادبیات قدیمی‌تر (مثلاً هانتینگتن، ۱۹۷۱) استدلال می‌کند که دموکراسی‌ها، تفاوت معناداری از حیث دامنه «نهادینه شدن سیاسی» دارند. عملیاتی کردن این اصطلاح به آسانی ممکن نیست.

استدلال و شواهد در این مقاله به دو ویژگی کلیدی دموکراسی‌ها اشاره دارند که تفاوت عملکرد بین دموکراسی را تبیین می‌کند: عمر آنها و توانایی رقبای سیاسی در دادن وعده‌های معتبر به رأی‌دهندگان. یافته‌های مقاله ابتدا نشان می‌دهند که دموکراسی‌های جوان در دامنه‌ای از حوزه‌های سیاستی از کنترل فساد گرفته تا مالکیت دولتی روزنامه‌ها و ثبت نام مدارس، رفتار متفاوت قاعده‌مندی نسبت به دموکراسی‌های پیرتر دارند. اما پرسش مهم اینست که چرا این چنین است. تحلیل زیر از یک تبیین جدید پشتیبانی می‌کند: ناتوانی نسبی سیاستمداران در دموکراسی‌های جوان‌تر در دادن وعده‌های معتبر به رأی‌دهندگان در پیش از انتخابات، تفاوت‌های دقیق در انتخاب‌های سیاستی سیاست‌گذاران در دموکراسی‌های جدیدتر و پیرتر را توضیح می‌دهد.

کیفر و ولایکو (۲۰۰۴) استدلال می‌کنند رقبای سیاسی که قادر به دادن وعده‌های معتبر به اکثر رأی‌دهندگان نیستند، هنگامی که بر سرکار می‌آیند، کالاهای عمومی را کمتر ارائه کرده، پرداخت‌های انتقالی بیشتری صرف گروه‌های کوتاه‌بین می‌کنند و به رانت‌جویی قابل توجهی مبادرت می‌ورزند. رفتار چنین سیاستمدارانی را می‌توان کاملاً مباشر‌پرورانه توصیف کرد. اما

سیاستمداران در دموکراسی‌های قدیمی‌تر، فرصت بیشتری نسبت به هم‌تایان خود در دموکراسی‌های جوان‌تر دارند تا دقیقاً وجهه سیاستی در بین دامنه وسیعی از رأی‌دهندگان ایجاد کنند. تا آن حد که اعتبار و عمر دموکراسی ارتباط مستقیمی با هم دارند، هر چند دموکراسی‌های جوان‌تر باید همان رفتار عرضه کمتر کالاهای عمومی، زیاده‌هزینه کردن در پرداخت‌های انتقالی به گروه‌های محدود شهروندان و رانت‌جویی زیاد را نشان دهند که پیش‌بینی می‌شود در کشورهایی ظاهر گردد که سیاستمداران فقط در بین تعداد محدودی رأی‌دهندگان اعتبار دارند.

در واقع آزمون‌های زیر، در بین هفت بعد سیاستی، آشکار می‌سازد که دموکراسی‌های جوان‌تر دقیقاً چنین رفتاری را به نمایش می‌گذارند. این یافته در برابر تصریح‌های بی‌شمار شامل نهادهای سیاسی و انتخاباتی، میزان اطلاعات رأی‌دهندگان، چند دستگی قومی و نفوذ بالقوه رهبران دموکراتیک انتخاب شده که دوران طولانی سرکار هستند، مستحکم است. به علاوه، شواهد ارایه شده در زیر نشان می‌دهد یک سنجه مشترک برای اطلاعات رأی‌دهندگان، شمارگان روزنامه‌ها است که در واقع معیار بزرگی از اعتبار زیربنایی وعده‌های سیاستمداران به شهروندان را منعکس می‌سازد. این نشان‌دهنده بدیل بالقوه یا تفسیر تکمیلی از بررسی‌هایی است که شمارگان بالاتر روزنامه‌ها را به برون‌دادهایی از قبیل فساد پایین ربط می‌دهد (مثلاً ادسرا و همکاران، ۲۰۰۳).

اعتبار وعده‌های پیش‌انتخاباتی و عملکرد دولت

ناهمگونی شدید در عملکرد دموکراتیک به آسانی قابل نشان دادن است. حاکمیت قانون در نیمی از کشورهایی که در دهه ۱۹۹۰ یا نظارت و موازنه یا انتخابات رقابتی داشتند به همان اندازه یا کمتر از کشور میانه‌ای بود که فاقد یکی از این دو بود.^۱ بررسی‌های تطبیقی که از شاخص‌های فساد استفاده می‌کنند نتایج مشابهی را نشان می‌دهند، همانطور که مقایسه‌ها با استفاده از شاخص‌های عینی عملکرد همین گونه بود. در بیش از ۲۰ درصد کشورها که نظارت و موازنه و انتخابات رقابتی قوی داشتند نرخ ثبت نام مدارس نسبت به کشور میانه‌ای که این شرایط را نداشت بدتر بود. لیندرت (۲۰۰۳) نیز این را مستند می‌سازد به طوری که نشان می‌دهد احتمال بیشتری می‌رود دموکراسی‌های «کامل» تحصیلات ابتدایی بیشتری نسبت به دموکراسی‌های «نخبه‌گرا» فراهم کنند. باوم و لیک (۲۰۰۳) هیچ رابطه‌ای بین دموکراسی و نرخ ثبت نام مدرسه دختران پیدا نکردند. منشاء این عملکرد متنوع یک معمای



با اهمیت روزافزون می شود چرا که تعداد کشورهایی که انتخابات رقابتی برگزار می کنند دو برابر شده است و بین سال های ۱۹۸۵ و ۲۰۰۰ از ۵۳ به ۱۰۱ کشور رسیده است و تعداد کشورهای که نظارت و موازنه دارند از ۶۲ به ۱۱۲ افزایش یافته است.^۲

چه چیزی ناهمگونی عملکرد دموکراتیک را توضیح می دهد؟ کیفر و ولایکو (۲۰۰۴) به اعتبار وعده های سیاسی پیش انتخاباتی اشاره می کنند. اکثر مدل ها این فرض را در نظر می گیرند که یا همه وعده های پیش انتخاباتی به همه رأی دهندگان معتبر هستند یا هیچکدام معتبر نیستند (برای مرور به پرسون و تابلینی ۲۰۰۰ نگاه کنید). اما به ندرت دموکراسی پیدا می شود که این حالت های قطبی برای آن مصداق داشته باشد. کیفر و ولایکو (۲۰۰۴) استدلال می کنند وقتی رقبای سیاسی از قدرت کمتری برای دادن وعده های معتبر به رأی دهندگان در رابطه با ارائه کالاهای عمومی و عملکرد اقتصادی به طور کلی برخوردار هستند، آنها یا تلاش می کنند در بین گروه های کوچکتری از رأی دهندگان اعتبار کسب کنند یا به حامی هایی متکی باشند که در عوض می توانند وعده های معتبری به مباشران بدهند. هر راهبرد بر انگیزه های سیاست گذاری سیاستمداران تأثیر می گذارد. مشخصاً اینکه در کشورهای با اعتبار اندک که سیاستمداران متکی به حامی ها بوده یا موفق به برقراری روابط معتبر با معدود رأی دهندگان شدند سیاستمداران به سمت سیاست های دولتی گرایش می یابند که به گروه های کوچک هدفمند رأی دهندگان نفع می رساند، توجه کمتری به ارائه کالای عمومی دارند (سیاست هایی که به نفع کل رأی دهندگان است) و آزادی عمل بیشتری در انجام رانت جویی پیدا می کنند.

تلاش سیاستمداران بی اعتبار برای ایجاد اعتبار بین گروه های کوچکی از رأی دهندگان، رابطه کاملاً مستند شده در ادبیات موضوع بین حامی ها و مباشران را منعکس می سازد. اندیشمندانی که روابط حامی مباشر را در این حوزه به دقت بررسی کردند متوجه شده اند که این روابط به صورت شخصی شده، در جریان و معامله به مثل هستند، ویژگی هایی که برای وجود تعادل های وجهه ای در یک بازی غیر همکاری جویانه کافی هستند. برای مثال اسکات (۱۹۷۲: ۹۲) روابط حامی مباشر در جنوب شرق آسیا را چنین توصیف می کند «روابطی که یک فرد در جایگاه اجتماعی اقتصادی بالاتر (حامی) از نفوذ و منابع خویش برای ارائه حمایت یا منافع یا هر دو، به شخص در جایگاه پایین تر (مباشر) استفاده می کند که وی نیز با ارائه پشتیبانی و کمک کلی، شامل خدمات شخصی به حامی، مقابله به مثل می کند.» تحلیل اینجا توضیح می دهد چرا مباشر پروری در سطوح اجتماعی و محلی، سیاست را به سطوح بالاتر وارد می کند: اعتبار حامی ها در رابطه با مباشران، حامی ها را متحدان ارزشمند رقبای سیاسی

می‌سازد. اما از آنجا که حامی‌ها فقط برای سیاست‌های عمومی ارزش قایل هستند که منافع را به مباشران خودشان انتقال می‌دهد، اتکاء سیاسی به حامیان همچنین منجر می‌شود تا سیاستمداران بی‌اعتبار، کالاهای عمومی کمتری ارائه نمایند.^۳

اینها نتایج عاجلی برای دموکراسی‌های جوان عاجل دارند. رقبای سیاسی در دموکراسی‌های جوان‌تر، شانس کمتری برای کسب وجهه سیاسی در نظر رأی‌دهندگان و احزاب سیاسی داشته‌اند، که احتمال می‌رود به حد مناسب تثبیت نشده باشند که وسیله‌ای جهت انتقال مواضع سیاسی معتبر بکار روند. در نتیجه آنها آمادگی اتکا به حامیان به عنوان وسیله‌ای جهت برقراری علقه‌های معتبر با رأی‌دهندگان را دارند. این دلالت دارد که انتخاب‌های سیاسی دموکراسی‌های جوان باید شباهت بسیار نزدیک به سیاست‌هایی داشته باشد که استدلال‌های بالا پیش‌بینی کردند: ارایه مقادیر کمتر کالای عمومی، ارایه مقادیر بالای کالاهای خصوصی هدفمند، و رانت‌جویی بالا. این فرضیه، موضوع تحلیل تجربی در زیر است.

شواهد کمی در رواج مباشرپروری در دموکراسی‌های جوان

این نتیجه‌گیری که رقبای سیاسی در دموکراسی‌های جوان، اعتبار کمتری داشته، اتکای بیشتری به حامیان دارند و احتمال بیشتری می‌رود که به سیاست عمومی به نفع پرداخت‌های انتقالی و رانت‌جویی تا بر ارایه گسترده کالاهای عمومی متکی باشند، پشتیبانی ضمنی تجربی در ادبیات موردکاوی پیدا می‌کند. مشارکت‌کنندگان مختلف در مالوی و سلیگسون (۱۹۷۸) با نگاه به تجربه‌های کشورهایی که از دولت اقتدارگرا به دموکراتیک گذار کردند، مکرراً به اتکای رقبای سیاسی جدید بر دادن منافع محدود به سمت هواداران هدفمند توجه می‌دهند.

برای مثال کوناگان (۱۹۵۷: ۱۹۹۴) بنیان احزاب دموکراسی جوان اکوادوری را مباشرپروری توصیف می‌کند و روزنبرگ (۱۹۷: ۱۹۸۷) تصمیم‌گیری سیاسی در دموکراسی‌های جوان آمریکای مرکزی را شخصی شده و بر پایه شبکه‌های مباشرپروری عمومی وصف می‌نماید. رژیم دموکراتیکی که پس از جنگ جهانی دوم جای دولت اقتدارگرای ژنرال وارگاس در برزیل را گرفت به زودی جای خود را به یک دولت نظامی در ۱۹۶۴ داد. یکی از اهداف ادعایی نظامیان در جایگزین ساختن این دموکراسی جوان، ایجاد شرایط برای معرفی یک «دموکراسی پاک» بود که شهروندان از روابط مباشرپروری با رؤسای سیاسی مصون باشند و اینکه رأی‌دهندگان روستایی تحت کنترل روسای کشور نباشند (دونکان بارتا و مارکوف، ۱۹۸۷: ۵۳). سیاری می‌نویسد که در سال‌های نخست دموکراسی ترکیه در دهه ۱۹۴۰، «راهبردهای

حزب برای بسیج روستائیان، عمدتاً بر اساس استخدام نجبای محلی در رده‌های حزبی بود که وظیفه ارائه «بانک‌های رأی آماده» به آنها محول می‌شد... این راهبرد با واکنش مساعد بزرگان محلی روبرو شد چون که در دست گرفتن پست رهبری واحد محلی یک حزب، به این معنا بود که یک شخصیت بزرگ محلی می‌توانست الف) جایگاه و پرستیژ بالاتری نسبت به نجبای رقیب محلی کسب کند ب) از منابع جدید پشتیبانی بیرونی برای اعضای جناح خویش مطمئن گردد و ج) جایگاه اقتصادی خود را از طریق روابط حزبی حفظ و ارتقاء بخشد.» این نجبا در رأس شبکه‌های گسترش یافته مباشر پروری قرار داشتند. سایاری بر اهمیت احزاب ارائه‌دهنده کمک شخصی توجه می‌کند: نخست با هدایت‌کردن نظام اداری (که «متکی به رهبران یا نمایندگان حزب محلی» هستند) و دوم با ارائه سرمایه‌گذاری عمومی برای پروژه‌های عمران روستایی (سایاری، ۱۰۸-۱۰۷: ۱۹۷۷).

متغیرهای سیاستی که تفاوت بین دموکراسی‌های جوان و پیر را نشان می‌دهند

شواهد تجربی قاعده‌مندتری نیز هستند که از این ادعاها پشتیبانی می‌کنند: سیاستمداران در دموکراسی‌های جوان‌تر، پرداخت‌های انتقالی به گروه‌های محدود رأی‌دهندگان را ترجیح می‌دهند، مبادرت به رانت‌جویی کرده و کالاهای عمومی را کمتر از مقدار بهینه ارائه می‌نمایند. هفت متغیر استفاده شده در اینجا، بیانگر این ابعاد متفاوت در سیاست دولتی هستند. یک سنجه متداول فساد است که تمایلات رانت‌جویی را نشان می‌دهد؛ سنجه‌های کیفیت نظام اداری، حاکمیت قانون، ثبت نام مدارس و مالکیت دولتی روزنامه‌ها نیز بکار می‌روند تا انگیزه‌های دولت در ارائه کالاهای عمومی یا کالاهایی که هدف‌گذاری‌شان به گروه‌های خاص رأی‌دهندگان دشوار است ردیابی شود؛ از سرمایه‌گذاری عمومی و هزینه حقوق و دستمزد دولت مرکزی برای نشان دادن سیاست‌هایی استفاده می‌شود که سیاستمداران به آسانی می‌توانند به سمت رأی‌دهندگان خاص و به زیان عامه رأی‌دهندگان هدف‌گذاری نمایند. هر کدام از اینها را به تفصیل در زیر توضیح می‌دهیم.

اندازه‌گیری رانت‌جویی:

فساد

رانت‌جویی انحراف منابع اقتصادی به سمت احتیاجات خصوصی تصمیم‌گیران سیاسی یک سنجه کلیدی از انگیزه‌های دولت برای تأمین منافع اجتماعی گسترده است. سنجه‌های



فساد، پرکاربردترین متغیرهای جانشین برای رانت جویی هستند. یکی از سنجه‌های فساد که در تعدادی مقالات استفاده شده است (مثلاً ناک و کیفر، ۱۹۹۵) پوشش دهی گسترده کشوری و سالی منحصر بفردی دارد، شاخص فساد راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری، متعلق به واحد خدمات ریسک سیاسی است. این یک سنجه ذهنی از حد و اندازه‌ای است که رشوه یک عامل تعیین‌کننده معنادار در تصمیم‌گیری دولت به حساب می‌آیند. این سنجه، پوشش دهی کشوری گسترده‌ای داشته و از ۱۹۸۶ به بعد در دسترس است. همه متغیرهای واحد ریسک سیاسی، مقیاس‌بندی شده‌اند به طوری که مقادیر بالاتر «بهتر» هستند. بنابراین، مقادیر بالاتر متغیر فساد، کاهش در مقدار فساد را نشان می‌دهند.

اندازه‌گیری ارائه کالای عمومی یا کالای هدف‌گذاری نشده:

حاکمیت قانون و کیفیت نظام اداری

حاکمیت قانون بی‌گمان پیامدی از انگیزه‌های دولت برای واکنش نشان دادن به منافع گسترده یا محدود در جامعه دیده می‌شود.^۴ وقتی حاکمیت قانون رواج دارد، چتر تضمین حقوق مالکیت، حقوق قراردادهای و سایر حقوق‌ها به روی تمام شهروندان پهن می‌شود. منافع حاکمیت قانون مثلاً رشد اقتصادی سریع‌تر به طور مشابه بین همه شهروندان پخش می‌شود. اما وقتی گروه‌های ویژه (شامل خود سیاستمداران) می‌توانند از قدرت دولت برای پشت پا زدن به تعهد دولت به شهروندان عادی مثلاً برای حمایت از حقوق مالکیت یا قراردادهای شهروندان عادی استفاده کنند حاکمیت قانون ضعیف است.^۵ هزینه‌های تضعیف حاکمیت قانون، عموماً بردوش شهروندان می‌افتد. بنابراین حمایت دولت از حقوق مالکیت و قراردادهای را می‌توان به عنوان سیاستی دید که ویژگی کالای عمومی داشته و به آسانی به سمت گروه‌های خاص شهروندان هدف‌گذاری نمی‌شود. معیار حاکمیت قانون از راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری، یک سنجه متداول برای تعیین دامنه اعتبار دولت و تمایل در احترام گذاشتن به حقوق مالکیت افراد است (مثلاً به ناک و کیفر (۱۹۹۵) و عجم اوغلو و همکاران (۲۰۰۲)، کلیگ و همکاران (۱۹۹۶) نگاه کنید).

نظام اداری باکیفیت، دیگر سیاست دولتی با ویژگی کالای عمومی است. نظام اداری بی‌کیفیت دلالت بر این دارد که کیفیت خدمات دولتی که دولت معمولاً به شهروندان عادی ارائه می‌کند پایین است و اینکه شهروندان عادی با موانع بیشتری در انجام کسب و کار با دولت مواجهه می‌شود. در عین حال، این موانع را همیشه می‌توان برای رأی‌دهندگان مدنظر دولت



رفع نمود. از این رو، کیفیت نظام اداری یک شاخص مفید از رابطه بده بستانی است که دولت بین تعقیب منافع عمومی و خصوصی برقرار می‌سازد. مجدداً می‌توان با استفاده از متغیر نامگذاری شده از راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری واحد ریسک سیاسی اندازه‌گیری کرد.

اندازه‌گیری ارائه کالای عمومی یا کالای هدف‌گذاری نشده:

نرخ ثبت نام مدارس

معیارهای ارائه کالای عمومی یا هدف‌گذاری نشده، تا اینجا معیارهای ذهنی هستند. بهترین معیار عینی، معیاری خواهد بود که مخارج دولت برای کالای عمومی یا هدف‌گذاری نشده را کمی می‌کند. متأسفانه حتی وقتی ما آن طبقه‌بندی‌ها از مخارج دولت را شناسایی می‌کنیم که به نظر می‌رسد هدف‌گذاری نشده یا اختصاص یافته به ارائه کالاهای عمومی هستند، مقصد واقعی این وجوه اغلب هدف‌گذاری شده است. برای مثال مخارج آموزشی را می‌توان صرف بالا بردن دستاوردهای تحصیلی برای همه کودکان کرد (از طریق اصلاحات در سرفصل دروس، آزمون‌ها، مخارج برای معلمان باکیفیت)، یا می‌توان آن‌ها را هدف‌گذاری کرد (با ساختن مدارس جدید در برخی مناطق امانه در مناطق دیگر). داده‌های بودجه‌ای بین کشوری برای آموزش و تحصیل، این موضوع را تفکیک نمی‌کنند.

برای کنار آمدن با این مسئله، یک شاخص برون‌دادی که نرخ ثبت نام در مدارس متوسطه است را برای تقریب گرفتن از دامنه‌ای استفاده می‌کنیم که اجزای عمومی مخارج تحصیلی در آن غلبه دارد.^۶ اگر سیاستمداران دقت نسبی بیشتری صرف هدف‌گذاری سیاسی می‌کنند در مقایسه با دقتی که آنها به ارائه کالای عمومی «کیفیت تحصیلی» به همه بچه‌ها می‌کنند، کیفیت کلی مدرسه رفتن باید آسیب ببیند. برای مثال آنها احتمالاً در مکان‌یابی مدارس دخل و تصرف می‌کنند یا معلمان را براساس معیارهایی به غیر از پاداش تحصیلی به تصمیمات کیفی استخدام می‌کنند. با کاهش کیفیت، خانواده‌ها نباید تمایلی به تحمل هزینه‌های مالی و هزینه‌های فرصت فرستادن بچه‌هایشان به مدارس متوسطه داشته باشند و ثبت نام در مدارس متوسطه باید کاهش یابد.

اعتماد به روایی ثبت نام مدارس متوسطه به عنوان متغیر جانشین برای ارائه کالای عمومی بالا خواهد بود. اگر ملاحظه شود که رابطه بین مخارج (هدف‌گذاری شده) و برون‌دادهای یادگیری پایین است، اگر رابطه بین اصلاحات آموزشی (هدف‌گذاری نشده) و یادگیری بالا باشد و اگر برون‌دادهای یادگیری، همبستگی بالایی با تصمیم خانوارها به ثبت نام بچه‌هایشان

داشته باشند. شواهد موجود معمولاً این رابطه‌ها را تأیید می‌کنند.

بخش زیادی از مخارج آموزشی صرف حقوق معلمان می‌شود. اما این شواهد بر رابطه روشن اندکی بین مخارج معلمان و کیفیت یادگیری دلالت دارند. نخست اینکه غیبت کردن معلمان یک مشکل شناخته شده در نظام آموزشی کشورهای در حال توسعه است و ارتباط قوی با غیبت کردن دانش‌آموزان دارد (به اهرنبرگ و همکاران (۱۹۹۱) درباره ایالات متحده؛ کارلسون (۲۰۰۰) درباره شیلی و هاربر (۱۹۸۹) درباره نیجریه نگاه کنید). غیبت کردن دانش‌آموزان ظاهراً نشانه‌ای از یادگیری پایین است. آن همچنین ارتباط خاصی با تحلیل اینجا دارد که نرخ ثبت نام دانش‌آموزان، متغیر جالب توجهی است. دوم اینکه به نظر می‌رسد کیفیت معلمان ارتباط نزدیکی با نرخ جابجایی معلمان و غلبه معلمان سال اول (سیاست‌های مدیریت آموزشی که به سختی هدف‌گذاری می‌شود) نسبت به جبران خدمات معلمان دارد (هانوشک و همکاران، ۲۰۰۵). در مجموع، اگر قصد اینست که به معلمان فقط به عنوان یک گروه هوادار سیاسی نفع برساند و اگر انگیزه‌اندکی برای بهبود بروندهای آموزشی وجود دارد، احتمال دارد مبلغ جبران خدمات معلمان بالا باشد ولی جبران خدمات به حضور بیشتر یا کیفیت بالاتر معلمان منجر نمی‌شود.

شواهد اضافی بر اثرات مثبت در یادگیری از اصلاحات مدیریتی (نسبتاً ارزان) تأکید می‌ورزد که منابع را به سمت هواداران محدود خاص هدف‌گذاری نمی‌کند. میکائیلووا (۲۰۰۱) با دقت در چهار کشور فرانسه زبان متوجه شد که بازدید بازرس مدرسه در سال گذشته، نمرات دانش‌آموزان را بالا برده است. از طرف دیگر، با غیبت معلمان، عملکرد دانش‌آموزان (ریاضیات / زبان فرانسه) کلاس پنجم مدارس متوسطه تا حد قابل توجهی کاهش می‌یابد، چه معلم کارمند خدمات کشوری یا عضو اتحادیه باشد (هر دو تا شاخص‌هایی از درجه توانایی معلمان برای اقدام جمعی در راستای منافع خصوصی‌شان است). علاوه بر این، نفوذ این عوامل منفی بر یادگیری، بیش از آنی است که با اثرات مثبت در یادگیری مرتبط با وجود کتب درسی یا سواد پدر و مادر بچه خنثی گردد.^۷

حتی وقتی رابطه بین نهادهای فیزیکی و ثبت نام با دستاورد تحصیلی مثبت نشان داده شده است، حد و اندازه این اثر کوچک است (برای مثال به ترتیب به میکائیلووا (۲۰۰۱) و گلو و جاکوبی (۱۹۹۴) درباره تخته سیاه‌ها در چهار کشور آفریقایی فرانسه زبان و غنا؛ و به هاریسون و هانوشک برای یک مرور کلی نگاه کنید). گلو و جاکوبی (۱۹۹۴) فقط اثر معنادار از شرایط فیزیکی کلاس درس در آزمون دانش‌آموز پیدا کردند اما این شرایط به

هزینه‌های نگهداری ربط پیدا می‌کند که دقیقاً انواع مخارج دولتی هستند که هدف‌گذاری شان برای سیاستمداران دشوار است (برای یک سیاستمدار کسب اعتبار و وجهه به خاطر تعمیر یک در یا پنجره مدرسه در مقایسه با ساختن یک مدرسه جدید دشوارتر است).

اگر این شواهد را در مجموع نگاه کنیم نشان می‌دهد تمرکز بر کیفیت یا بر سیستم‌ها که برای یادگیری اهمیت دارند است که روی پرونده‌ها در بین مدارس تأثیر می‌گذارد و برای سیاستمداران، هدف‌گذاری هیچ‌کدام به حوزه‌های رأی‌گیری خاص آسان نیست اما نهاده‌های مالی که صرف تحصیل می‌شوند، ارتباط روشن کمتری با یادگیری دارند. اما آیا یادگیری پایین که کالای عمومی غیر قابل مشاهده در تحلیل بین کشوری است با ثبت نام پایین که متغیری قابل مشاهده می‌باشد ارتباط دارد؟ در اینجا شواهد کمتر روشنی داریم اما از این ادعا پشتیبانی می‌شود که محیط‌های دچار یادگیری پایین، نرخ ثبت نام را به سمت پایین می‌کشد. یک بخش از شواهد در بالا گزارش شده است: غیبت‌کردن معلم و دانش‌آموز با همدیگر تغییر می‌کند. علاوه بر این بومیر و لامبرت (۲۰۰۰) متوجه شدند در مدارس تانزانایی که کیفیت مدرسه بالاتر است، دانش‌آموزان زودتر ثبت نام می‌کنند. بنابراین در تخمین‌های زیر، ثبت نام ناخالص مدارس متوسطه که از شاخص‌های توسعه جهانی گرفته شده به صورت شاخصی از انگیزه‌های ارائه کردن کالاهای عمومی به جای کالای خصوصی و قابل هدف‌گذاری در نظر گرفته می‌شود.

اندازه‌گیری ارائه کالای عمومی و هدف‌گذاری نشده:

مالکیت دولتی روزنامه‌ها

شاخص نهایی ارائه کالای عمومی، به سیاست دولت در جهت اطلاع‌رسانی به شهروندان ربط پیدا می‌کند. از آنجا که اطلاعات شهروندی یک کالای عمومی است، سیاست‌های دولت که دسترسی شهروندان به اطلاعات را بسط یا قبض می‌دهد باید از همان نیروهایی تأثیر پذیرد که ارائه کالای عمومی را به صورت همگانی‌تری می‌سازد شامل اعتبار وعده‌های سیاسی. یکی از چنین سیاست‌هایی سهم بازار روزنامه‌های دولتی به صورت کسری از سهم بازار پنج روزنامه اول در یک کشور است که توسط دیانکوف و همکاران (۲۰۰۳) جمع‌آوری شده است. در جایی که سهم بازار روزنامه‌های دولتی بالا است، شهروندان دسترسی کمتری به انواع اطلاعاتی دارند. دولت‌های منتخب می‌توانند با آسانی بیشتری، شهروندان را از این کالای عمومی محروم سازند اگر کالاهای عمومی ارتباطی به انتخابات نداشته باشند، همانند وقتی که رقبای سیاسی قادر به دادن وعده‌های معتبر به بخش بزرگی از شهروندان نیستند.



البته این مسئله همچنین صحت دارد که دولت‌های منتخب که قصد تحویل دادن قدرت را ندارند، نیز جلوی دسترسی شهروندان به اطلاعات را می‌گیرند. چنین دولتی سرانجام وقتی که یک انتخابات را سرکوب می‌کند یا با فوق اکثریت بزرگ، برنده می‌شود از دسته «انتخابات رقابتی» عبور می‌کند و به طبقه انتخابات غیررقابتی می‌رود که برحسب تعریف، ارتباطی بین مالکیت دولتی و سال‌های پیوسته انتخابات ایجاد می‌شود. اما در این حالت، بیشترین سهم دولت از بازار روزنامه باید در جایی پیدا شود که رهبران منتخب، طولانی‌ترین دوره تصدی را دارند. در واقع یک رابطه مثبت قوی بین دوره تصدی قوه مجریه منتخب و سهم بازار روزنامه‌های دولتی وجود دارد. اما، شواهد گزارش شده در زیر نشان می‌دهد که اثر منفی سال‌های پیوسته انتخابات رقابتی در سهم بازاری دولت، با کنترل برای دوره تصدی رهبر استحکام دارد. روزنامه‌های دولتی نیز به صورت یک روش افزایش دادن جریان اطلاعات به شهروندان دیده می‌شود. برای مثال اگر آنها به شدت یارانه‌دهی باشند و زیر هزینه تولید توزیع شوند. به نظر می‌آید نمونه‌های اندکی وجود دارد که روزنامه‌های دولتی با هدف ارائه اطلاعات نارایب مثلاً درباره عملکرد مقامات منتخب تأسیس شده و مدیریت گردد. اما تا آن حد که در برخی موارد اینگونه است، تخمین‌های زیر به سمت رد کردن این فرضیه تمایل خواهد داشت که اعتبار سیاسی، محدودیت‌های دولت بر اطلاعات شهروندی را کاهش می‌دهد.

اندازه‌گیری مخارج دولتی هدف‌گذاری شده:

سرمایه‌گذاری عمومی و حقوق و دستمزد دولتی

اشتغال دولتی و سرمایه‌گذاری عمومی یا مخارج زیربنایی، روش‌های سنتی برای دولت‌ها هستند تا منافع را به حوزه‌های انتخابیه خاص هدف‌گذاری کنند. مشاهده این مسئله در حالت حامی‌گرایی در اشتغال دولتی کاملاً روشن است که به دارندگان مشاغل و خانواده‌های آنها نفع می‌رساند. هزینه دستمزد دولتی به صورت کسری از GDP (که مثل سرمایه‌گذاری عمومی) از آمارهای مالی دولت گرفته شده است مخارج دولت برای مشاغل را ردیابی کرده و بنابراین یک سنجه از انگیزه‌های دولت برای هدایت مخارج به حوزه‌های انتخابیه هدف‌گذاری شده ارائه می‌دهد.

بخشی از جامعه که از یک سرمایه‌گذاری عمومی معین منتفع می‌شود متنوع‌تر از بخشی هستند که از مخارج مشاغل نفع می‌برد. سرمایه‌گذاری عمومی شبیه مخارج آموزش و پرورش، کالای عمومی بوده و اجزای هدف‌گذاری شده و خصوصی دارد. ویژگی اصلی سرمایه‌گذاری



عمومی این نیست که منافعش کاملاً و هدف‌گذاری شده باشد، بلکه نسبت به سایر طبقه‌های مخارج عمومی، سیاستمداران می‌توانند کسر بالاتری از سرمایه‌گذاری عمومی را هر سال متقبل شوند. برای مثال اکثر مخارج آموزشی صرف حقوق معلمان و سایر کارکنان اداری می‌شود. در حاشیه اینها، سیاستمداران می‌توانند بر این قضیه تأثیر گذارند که کدام معلمان استخدام شوند یا اینکه در کجا به کار گرفته شوند اما اکثر معلمان و پست‌های سازمانی هر ساله ثابت هستند. مخارج سرمایه‌گذاری عمومی از طرف دیگر، به نحو نامتناسبی شامل ساختمان‌سازی‌های جدیدی می‌شود که به حوزه‌های انتخابیه خاص نفع می‌رساند. با توجه به ویژگی‌های سرمایه‌گذاری عمومی، سیاستمداران علاقه‌مند به ارائه خدمات هدف‌گذاری شده محدود به هواداران می‌شوند که بنابراین باید به نحو نامتناسبی علاقه‌مند به افزایش سرمایه‌گذاری عمومی باشند. در واقع همانطور که عبارت مخارج «پروژه‌های نان به هم قرض دادن» به یاد می‌آورد، ترجیحات سیاسی به نفع مخارج سرمایه‌گذاری عمومی هدف‌گذاری شده کاملاً شناخته شده هستند. بنابراین از مخارج سرمایه‌گذاری عمومی به نسبت GDP در اینجا استفاده می‌شود که به صورت سنجه‌ای از انگیزه‌های دولت برای هدف‌گذاری مخارج عمومی به سمت هواداران سیاسی خاص است.

تبیین تفاوت‌های بین دموکراسی‌های جوان و پیر

نگرانی اصلی در اینجا ارزیابی این نکته است که آیا عمر دموکراسی‌ها، قادر به توضیح دادن نوسان در سیاست‌های انتخابی بین دموکراسی‌ها هست یا خیر. اما فرضیات بدیل بیشمار در رابطه با نوسان سیاستی نیز باید در نظر گرفته شود. این بخش، عمر متغیر دموکراسی و سایر متغیرهای کنترل را که وارد تصریح اقتصادسنجی تحلیل شده در زیر می‌شوند، توضیح می‌دهد.

اندازه‌گیری عمر دموکراسی

معمای بررسی شده در این مقاله این است که چرا نهاد انتخابات رقابتی، که ویژگی مشخصه دموکراسی‌ها است، برون‌دادهای به شدت متفاوتی در بین کشورها عاید می‌سازد. بنابراین با ساختن یک معیار از عمر دموکراسی، متغیر اصلی دموکراسی بر پایه شاخص‌های هفت امتیازی رقابت انتخاباتی قوه‌مقننه و قوه‌مجریه (LIEC و EIEC) از بانک اطلاعاتی در باره نهاد‌های سیاسی است (بک و همکاران، ۲۰۰۲). این متغیرها، برخلاف سایر سنجه‌های

دموکراسی، مثل سایر ویژگی‌های نهادهای کشورها (وجود نظارت و موازنه) یا برون‌دادها (اینکه آیا دولت‌ها به وسیله نهادهای رسمی مهار می‌شوند یا اینکه آیا انتخابات به جایگزینی یک متصدی توسط یک هم‌وارد منجر می‌شود) عینی و محدود هستند.

بالاترین امتیاز در هر کدام از این شاخص‌ها (عدد هفت) به شوریهایی واگذار می‌شود که چندین حزب در انتخابات قوای مجریه و مقننه با هم رقابت می‌کنند و هیچ حزبی بیش از ۷۵ درصد آراء را دریافت نمی‌کند. در همه بحث‌های اینجا، سال‌های مداوم انتخابات رقابتی به صورت تعداد سال‌های متوالی اندازه‌گیری می‌شود که یک کشور دارای بالاترین امتیاز در هر دو شاخص باشد. از ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۰، که دوره تحت بررسی در اینجا است، تعداد سال‌های میانه انتخابات مداوم عدد یازده است و در بین شوریهایی که تاکنون انتخابات رقابتی را برگزار کردند میانگین ۲۷ دارد.^۸

سایر متغیرهای کنترل

احتمال می‌رود سایر ویژگی‌های جغرافیایی و جمعیت‌نگاری کشورها، اثر مستقیمی بر انواع سیاست‌هایی داشته باشد که شهروندان تقاضا می‌کنند یا که بالاترین پاداش را برای شهروندان دارد. مساحت و جمعیت کشور می‌تواند نشان‌دهنده تقاضا برای زیرساختار عمومی باشد چون که تقاضا برای جاده‌ها یا هزینه ارائه تحصیلات یا تضمین حاکمیت قانون، قطعاً در کشورهای بزرگ با جمعیت پراکنده بسیار متفاوت از کشورهای کوچک با جمعیت متراکم است. کشورهای که نسبت بالاتری از جمعیت جوان دارند باید تقاضای بیشتری برای تحصیلات به نمایش گذارند. جمعیت جوان بیشتر همچنین فشار بر سیاستمداران برای ارایه مشاغل را بالا برده و با توجه به ارتباط شناخته‌شده‌ای که بین جوانان و جرم وجود دارد هزینه حفظ حاکمیت قانون را افزایش می‌دهد. احتمال وجود صرفه‌ها (یا عدم صرفه‌ها) برای کاربرد سیاست‌ها در میان یک جمعیت بزرگتر می‌رود؛ بنابراین کل جمعیت را در نظر می‌گیریم. سرانجام، تقاضا برای زیرساختار، تحصیلات یا حتی حاکمیت قانون و انسجام در دولت، و هزینه‌های ارائه کردن آنها در بین مناطق روستایی و شهری تفاوت معناداری دارند. همه اینها را از شاخص‌های توسعه جهانی اخذ کرده‌ایم.

تخمین‌ها از عوامل تعیین‌کننده ثبت نام مدارس متوسطه، کنترل‌های اضافی هستند تا جنبه کالای عمومی ثبت نام مدارس را جدا سازند. ثبت نام مدارس متوسطه، محصول این قضیه است که دولت‌ها چقدر صرف تحصیلات می‌کنند و چگونه آنها این پول‌ها را خرج می‌کنند.



کالاها و خدماتی که دولت‌ها می‌خرند می‌تواند کالای عمومی باشد یا نباشد. اما روشی که دولت‌ها پول را خرج می‌کنند و نظارتی که آنها بر برونداهای مخارج دارند بسیار شبیه کالای عمومی بوده و قابل هدف‌گذاری کمتر به حوزه‌های انتخابیه خاص هستند. بنابراین رگسیون‌های تحصیلات، مخارج دولت برای تحصیل را کنترل می‌کنند به منظور اینکه اثر سال‌های انتخابات پیوسته بر جنبه‌های کالای عمومی سیاست‌گذاری مدرسه را که بر ثبت نام تأثیر می‌گذارد جدا سازند. علاوه بر این، ثبت نام مدرسه ابتدایی کنترل می‌شود تا این واقعیت ساده را منعکس سازد که وقتی ثبت نام مدارس ابتدایی پایین است ثبت نام مدارس متوسطه باید کاهش یابد؛ در عین حال، این امکان را کنترل می‌کند که مخارج دولت برای تحصیلات بالا باشد اما به نحو نامتناسبی به مدارس ابتدایی اختصاص یافته باشد.

شاید این استدلال بشود که مخارج دولتی باید به صورت یک متغیر کنترل، مستقیماً شامل شود، چون تقریباً همه متغیرهای سیاستی در تخمین‌های جداول ۲ و ۳ به مخارج دولتی ارتباط پیدا می‌کنند. در واقع، مخارج دولت به نسبت GDP با فساد معنادار کمتر و سرمایه‌گذاری عمومی و ثبت نام بالاتر مدارس ارتباط دارد. با این وجود مخارج دولت از تصریح‌های اصلی حذف شد چون شامل کردن آن اندازه نمونه را تقریباً ۲۵ درصد کاهش می‌دهد. هرچند که نتایج با شامل کردن آن هم استحکام دارند. در هر جا متغیر انتخابات در جداول ۲ و ۳ زیر معنادار است، هنگامی که برای مخارج دولتی به نسبت GDP کنترل می‌شود معنادار باقی می‌ماند.

در بررسی استحکام نتایج زیر، تعدادی از ویژگی‌های بالقوه سیاسی کشورها شامل نهاد‌های سیاسی و انتخاباتی، درجه همگونی قومی و اطلاعات رأی‌دهندگان نیز بررسی شدند. جدول ۱ خلاصه‌ای از همه متغیرهای استفاده شده در اینجا را ارائه می‌کند. توجه دارید که هر واقعه پیوسته انتخابات رقابتی، یک مشاهده را تشکیل می‌دهد. بنابراین همه متغیرها در طی دوره زمانی واقعه میانگین‌گیری شدند.

راهبرد برآورد

آزمون ایده‌آل فرضیه که اعتبار وعده‌های سیاسی پیش انتخاباتی بر سیاست تأثیر می‌گذارد عبارت است از:

$$I = \beta_0 + \beta_1 X_1 + B + e_i \quad (1)$$

(اعتبار رقابای سیاسی)

که I واقعه دموکراتیک تحت مشاهده را شاخص‌بندی می‌کند. دو مسئله این رویکرد را

جدول ۱ - خلاصه آمارها

معتبر	تعداد مشاهدات	میانگین	عیانه	انحراف معیار
حاکمیت قانون	۱۰۱	۶،۱۸۷	۶،۱۶۷	۲،۲۸
سهولت روزنامه‌های دولتی به سهولت بازار پنج روزنامه بزرگ	۷۵	۱۶،	۰	۰،۳۲
فساد در دولت	۹۰	۵،۸۹	۵	۲،۲۵
آزادیت نظام اداری	۱۰۱	۵،۸۱۶	۵،۳۹	۲،۶۱
ثبات نام مدارس متوسطه	۱۲۱	۲۲،۸۸۵	۲۵،۳۲	۲۱،۸۷
سرمایه‌گذاری عمومی به GDP	۸۶	۰،۰۳۹	۰،۰۳۲	۰،۰۲۷
حقوق و دستمزد دولتی به GDP	۹۱	۰،۰۶۱	۰،۰۵۵	۰،۰۵۳۵
میانگین سال‌های پیوسته انتخابات رقابتی	۱۳۷	۱۲،۳۵	۵،۵	۱۷،۶۵
قطب بندی قومی - زبانی	۱۲۸	۰،۵۶۱	۰،۰۳۸	۰،۰۷۲
شمارگان روزنامه‌ها در هر ۱۰۰۰ نفر	۹۱۸	۱۱۹،۶۶	۷۱،۹۹	۱۳۱،۲
نظام اکثریتی (۱) یا غیر اکثریتی	۱۳۷	۰،۳۲۸	-	۰،۰۲۷
رأیست جمهوری (۲) - رأیست جمهوری (۱) یا پارلمانی (۰)	۱۳۷	۱،۰۹۶	۱،۶۹۳۳۰۸	۰،۰۹۵
درصد جمعیت جوان	۱۳۳	۰،۳۲۸	۰،۳۵۳	۰،۰۱
کل جمعیت ۱۰ میلیون نفر	۱۳۵	۲۲۶،۰۰۰۰۰	۸۳۳،۹۷۸	۶۰۴۰۰۰۰۰۰
درصد جمعیت روستایی	۱۳۲	۰،۳۸۷	۰،۳۹۲۷۵	۰،۰۲۲
زمین (میلیون هکتار مربع)	۱۳۳	۸۳۳،۹۲۲	۱۲۳،۰۰۰	۲۱۹،۶۱۳
کل مخارج دولتی به GDP	۹۱	۰،۳۸۱	۰،۰۲۸	۰،۰۱۱
ثبات نام مدارس ابتدایی	۱۲۳	۹۹،۲۷	۶۰۰،۷	۱۷،۵۹
کل مخارج تحصیلاتی به GDP	۱۱۵	۰،۰۳۶	۰،۰۳۲	۰،۰۲

نوحه:

مشاهدات واقع به استناد آمارهای رسمی و آمارهای محلی جمع شده است. آمارهای محلی و آمارهای رسمی که در دسترس نباشد، با استفاده از روش‌های آماری تخمین زده شده است.

رساله جامع علوم انسانی

دشوار می‌سازد و کانون تمرکز این بخش هستند. نخست، اعتبار که قابل مشاهده نیست. دوم اینکه اعتبار تابع احتمالی از برخی عناصر در X است که باعث هم خطی می‌شود. بحث پیشین یک رابطه نزدیک بین تعداد سال‌های پیوسته انتخابات رقابتی و اعتبار نشان می‌دهد و متغیر انتخابات را به مثابه یک متغیر جانشین طبیعی برای اعتبار مشاهده نشده پیشنهاد می‌دهد. خصوصاً چون اعتبار را می‌توان از وجهه خارج کرد و وجهه محصول احتمالی تجربه تکراری با سیاستمداران است انتظار یک ارتباط مثبت بین سال‌های پیوسته انتخابات رقابتی و توانایی سیاستمداران به دادن وعده‌های معتبر پیش انتخاباتی می‌رود.

$$(2) \quad u_i + (\text{سال های پیوسته انتخابات رقابتی}) \alpha_1 + \alpha_0 = \text{اعتبار}$$

که با جای گذاری (2) در (1) چنین به دست می آید:

$$(3) \quad \alpha_1 + \alpha_0 + u_i + X_i B + \epsilon_i = \beta_1 + \beta_2 (\text{سال های پیوسته انتخابات رقابتی}) + \beta_3 = \text{انتخاب سیاست } i$$

اریب تضعیف^۹ و هم خطی

همیشه این نکته صادق است که استفاده از متغیر جانشین، اریب تضعیف را وارد برآورد ضریب متغیر جانشین شده می کند. یعنی چون سال های انتخابات پیوسته، اثرات اعتبار را به شکل ناقصی نشان می دهد با خطای u ، تخمین β_1 به سمت پایین اریب پیدا می کند. اریب تضعیف طبیعتاً افزایش کمتری می یابد اگر ارتباط بین اعتبار و متغیر انتخابات نزدیک باشد (δ_0^2 بزرگتر است). اما اغلب کمتر مشاهده می شود که اریب تضعیف در حضور همخطی بدتر شود. این یک مسئله خاص در اینجا است چون ارتباط قوی بین هم خطی و برخی از عناصر در X داریم.

برای دیدن این اثر، فرض کنید فقط یک عنصر $X = x_1$ در وجود دارد، اعتبار x_1 تعیین

می شود، جملات ثابت را حذف می کنیم و فرض کنید $(\sum x_{1i}^2 - (\sum x_{1i})^2 / n) = \alpha_Q$ است. پس تخمین β_1 به این صورت داده می شود.

$$\hat{\beta}_1 = \frac{\sum x_{1i} x_{2i}}{\sum x_{1i}^2 - (\sum x_{1i})^2 / n} + \frac{\sigma_u^2}{\alpha_Q} \left(\frac{\sum x_{1i} x_{2i}}{\sum x_{1i}^2 - (\sum x_{1i})^2 / n} \right)$$

به یاد دارید که ضریب همبستگی بین x_1 و اعتبار x_2 برابر با $\frac{\sum x_{1i} x_{2i}}{\sqrt{\sum x_{1i}^2 \sum x_{2i}^2}}$ است و

توجه دارید که رابطه معکوسی با Q دارد. پس بدیهی است که همبستگی بین اعتبار و سایر

عوامل تعیین کننده سیاست بیشتر باشد، $\frac{\sigma_u^2}{\alpha_Q}$ بزرگتر است و اریب تضعیف بزرگتر است

(وقتی که δ_0^2 صفر است آن هم صفر می شود).^{۱۰}

عامل سیاستی تعیین کننده x_2 مستقیماً بر اعتبار تأثیر می گذارد یا از طریق تأثیر غیرمستقیم بر سال های پیوسته انتخابات رقابتی تأثیر می گذارد. در هر حالت اثرات مشابه هستند اما حالت دوم آسانتر نشان داده می شود. فرض کنید آنطور که قابل تأمل است تعداد سال های



پیوسته انتخابات رقابتی با یک فرایند شبیه $y_i = \gamma_1 w_i + \gamma_2 x_{2i} + \nu_i$ تعیین می‌شود که w متغیر برونزا و مشاهده نشده بی‌ارتباط با برونزدهای سیاستی است که بر متغیر انتخابات تأثیر می‌گذارد. اما سپس فرایند تعیین اعتبار، یا معادله (۲) را می‌توان به صورت $x_{2i} = \alpha(\gamma_1 w_i + \gamma_2 x_{2i}) + u_i$ بازنویسی کرد. همبستگی بین x_1 اعتبار و x_2 به وسیله $\alpha\gamma_2$ داده شده است. یعنی هر اندازه تأثیر x_2 بر سال‌های پیوسته انتخابات بیشتر باشد، اریب به سمت پایین در تخمین اثر اعتبار بر برونزدهای سیاستی در هنگام استفاده از متغیر جانشین انتخابات بزرگتر است.

سه متغیر کنترل شامل شده زیر در X نیز احتمالاً بر اعتبار تأثیر می‌گذارند؛ نسبتی از جمعیت که روستایی است، نسبتی از جمعیت که جوان است و درآمد سرانه. نه فقط آنها اثرات مستقیمی بر سیاست دارند، آنها همچنین احتمالاً اثرات مستقیم و غیرمستقیمی (از طریق سال‌های پیوسته انتخابات رقابتی) روی اعتبار دارند. رأی‌دهندگان روستایی منزوی‌تر بوده و راهبردهای بهبود اعتبار سیاسی در رابطه با این رأی‌دهندگان، از قبیل تماس شخصی با رأی‌دهندگان، به ازای هر رأی‌دهنده پرهزینه‌تر است. این مستقیماً مانع توسعه اعتبار می‌شود. رأی‌دهندگان جوان‌تر تجربه کمتری با عاملان سیاسی دارند. تجربه، کلید شکل‌گیری وجهه و اعتبار است به طوری که برای سیاستمداران پرهزینه‌تر است تا وعده‌های معتبر را به آنها انتقال دهند. درآمد سرانه نیز احتمالاً اثرات قوی روی اعتبار می‌گذارد. سیاستمداران می‌توانند منابع را برای معتبر ساختن درخواست‌های به هواداران منفرد، وعده پرداخت‌های انتقالی خصوصی، شغل یا کمک در زمان‌های بدبختی سرمایه‌گذاری کنند، یا در معتبر ساختن درخواست‌ها به گروه‌های بزرگ، اعتبار بخشیدن وعده‌هایشان به ارائه کالای عمومی که به گروه‌های بزرگ در اثربخش‌ترین روش نفع خواهد رساند سرمایه‌گذاری کنند. هر چقدر کشوری فقیرتر باشد، احتمال بیشتری می‌رود که نخستین راهبرد، اثربخش‌ترین روش رسیدن به پشتیبانی سیاسی باشد (همانطور که دیکسیت و لوندراگان (۱۹۹۶) اظهار می‌کنند).

شواهد قابل توجهی به نفع اثرات غیرمستقیم وجود دارد. سال‌های انتخابات پیوسته، همبستگی منفی با درصد جمعیت روستایی ($\rho = -0.51$) و درصدی که جوان هستند ($\rho = -0.50$) دارد. آن همبستگی مثبت با درآمد سرانه ($\rho = 0.71$) دارد. هر اندازه که جمعیت روستایی، جوان یا فقیرتر، در دموکراسی‌ها به خوبی خدمت‌رسانی نشوند همچنین احتمال کمتری می‌رود که آنها در مواجهه با تلاش برای برانداختن دموکراسی منفعل‌تر باشند. برای مثال اگر رأی‌دهندگان روستایی با احتمال بیشتری اسیر «حامی‌ها» شوند، احتمال

کمتری می‌رود از رقابت سیاسی تحت دموکراسی نفع ببرند و با تهدیدات به دموکراسی مخالفت کمتری دارند.

برای اینکه اریب تضعیف و هم خطی بودن حل شوند، دو راهبرد به کار گرفته می‌شود. نخست استفاده از متغیرهای ابزاری است. اینها یک جواب شناخته شده به اریب تضعیف به علت خطای اندازه‌گیری هستند (مثلاً اگر اعتبار مستقیماً اما با خطا اندازه‌گیری می‌شود)، که ابزار، با اعتبار «واقعی» همبستگی دارد و با جمله خطا در سنجه اعتبار مشاهده شده بی‌ارتباط است. در حالت متغیرهای جانشین، مثل اینجا، ابزار معتبر باید با سال‌های پیوسته انتخابات اما نه با جمله خطا u ارتباط داشته باشد.

اما هم خطی نوع پیشنهادی در اینجا، فایده‌مندی رویکرد متغیر ابزاری را از بین می‌برد. مقدار پیش‌بینی شده سال‌های پیوسته انتخابات، از نخستین مرحله تخمین متغیر ابزاری، تابع ابزارها برای سال‌های انتخابات پیوسته است و X را از مرحله دوم معادله کنترل می‌کند. اما اعتبار و سال‌های پیوسته انتخابات تا حدی توسط X تعیین می‌شود. متعاقب آن، ابزار فقط در صورتی معتبر (معنادار در رگرسیون مرحله اول ابزار برای سال‌های پیوسته انتخابات) خواهد بود که قدرت توضیح‌دهندگی قابل توجهی فراتر از متغیرها در X داشته باشد. هر اندازه که این متغیرها عوامل تعیین‌کننده متغیر انتخابات یا اعتبار باشند ابزارها از کار می‌افتند. در واقع همانطور که ما انتظار داریم، ابزارهایی که به صورت گسترده‌ای در ادبیات نهاد‌های بین‌کشوری استفاده می‌شوند، به ندرت در رگرسیون مرحله اول در حضور متغیرها در X معنادار هستند.

بنابراین راهبرد دوم به کار رفته در اینجا، بررسی اثرات حذف متغیرهای هم خطی‌دار است. معیار معمول برای قضاوت منطقی بودن این گام اینست که آیا افزایش حاصله در دقت، نسبت به معرفی یک اریب ناشناخته به علت حذف این متغیرها بزرگ هست یا خیر. اینجا چون متغیرهای هم خطی‌دار یک منبع معنادار اریب به سمت پایین در رگرسیون‌های OLS ایجاد می‌کنند، یک استدلال قوی‌تر از آنچه معمول است می‌توان کرد که رابطه بده بستان ارزش آن را دارد. بنابراین در تخمین‌های زیر، تخمین‌های (۲) با و بدون این متغیرها در X پذیرفته می‌شوند که یک مورد پیشینی وجود دارد که بر اعتبار و انتخاب سیاست تأثیر می‌گذارد. تغییر در مقادیر ضریب پس از حذف این متغیرها، با استدلال پیشینی که وجود متغیرهای X ، اریب تضعیف در رگرسیون‌های OLS را تشدید کرده و اعتبار ابزارها در رگرسیون‌های متغیر ابزاری را به نادرست تضعیف می‌کند.



درونزایی

تخمین‌های متغیر ابزاری زیر، به هر دو نگرانی خطای اندازه‌گیری و درونزا بودن احتمالی توجه می‌کنند. اما این نگرانی‌ها به آسانی اغراق شده‌اند. برای مثال شاید استدلال شود که علیت معکوس شده است و این انتخاب سیاست است که طول عمر رژیم را ایجاد می‌کند. یعنی دولت‌هایی که سیاست‌های بد را انتخاب می‌کنند مخالفت بیشتری را باعث می‌شوند نسبت به آنهایی که این کار را نمی‌کنند. این استدلال به تنهایی کافی نیست تا اثبات کند علیت معکوس باعث مشاهده این نتایج می‌شود. نخست سیاست بد باید منجر به این شود که شهروندان، رقبای متصدیان امر را ترجیح دهند، اما نه اینکه لزوماً دیکتاتوری را به دموکراسی ترجیح دهند. علاوه بر این نیاز به استدلالی نیاز داریم که دلالت کند چرا سیاست بد باید به تغییر رژیم منجر شود. استدلال‌های اعتبار در اینجا، دقیقاً چنین استدلالی را فراهم می‌سازد: اعتبار رقبای سیاسی در دموکراسی، کمتر بوده، پاسخگویی آنها کمتر بوده و شهروندان باید بین رهبران سیاسی منتخب و غیرمنتخب بی تفاوت‌تر باشند. اما نمی‌توان از این استدلال برای تأکید اینکه نتایج زیر در جدول ۲ ساختگی هستند استفاده کرد، از آنجا که این استدلال و استدلال‌های اعتبار قبلاً مطرح شده برای تفسیر جدول ۲ کاملاً با یکدیگر سازگار هستند. یک مدل متفاوت از علیت معکوس تأکید دارد که متغیر حذف شده، عامل تعیین‌کننده سیاست، اگرچه نه طول دوام رژیم است، اما سیاست است که تعداد سال‌های پیوسته انتخابات رقابتی را تعیین می‌کند. متغیر حذف شده چه می‌تواند باشد؟ سیاست محصول انگیزه‌های دولت است؛ متغیر اعتبار نهفته، متغیری است که الگوی سیاست‌های مشاهده شده در بین دموکراسی‌ها را توضیح می‌دهد. سپس دوباره، تا آن حد که اعتبار، انتخاب سیاست را باعث می‌شود، استدلال کردن که علیت معکوس نتایج مشاهده شده در معادله (۲) را توضیح می‌دهد دشوار است. این ادبیات سایر عوامل نفوذ نهفته را پیشنهاد می‌دهند. اما همه اینها در زیر بررسی می‌شوند و تفاوتی بین دموکراسی‌های سنین مختلف را توضیح ندادند. سرانجام در هر مورد، راهبرد متغیر ابزاری که در اینجا استفاده شد نیز به نگرانی‌های درونزایی بالقوه می‌پردازد.

نتایج

در کشورهایی که انتخابات رقابتی برای تعداد سال‌های پیوسته کمتر از عدد میانه برگزار شده است، سرمایه‌گذاری عمومی، هزینه حقوق و دستمزد دولت مرکزی، حاکمیت قانون و



کیفیت نظام اداری همگی تقریباً یک انحراف معیار بالاتر و نرخ ثبت نام مدارس متوسطه یک انحراف معیار پایین تر است. روزنامه‌های دولتی، ۳۲ درصد سهم بازار پنج روزنامه پر فروش در کشورهای با سال‌های انتخابات رقابتی کمتر از سال‌های میانه را در اختیار دارند و در کشورهای با سال‌های بیشتر این عدد نزدیک به صفر است.

این ارتباطات دو متغیره‌ای قویاً در جدول ۲ ظاهر می‌شود. برای هر کدام از هفت متغیر سیاستی، جدول ۲، دو مجموعه از تخمین‌های معادله (۲) ارائه می‌دهد. نخست یک رگرسیون ساده که مساحت کشور و کل جمعیت، و در معادله برای ثبت نام مدارس متوسطه، مخارج آموزش و ثبت نام مدارس ابتدایی را کنترل می‌کند. به علاوه دومین مجموعه تخمین‌ها، سه متغیری را که احتمالاً اثرات قوی بر اعتبار دولت دارند کنترل می‌کنند: درصد جمعیت که جوان یا روستایی است و درآمد سرانه.

الگوی ضرایب انتخابات در بین سیاست‌های مختلف دقیقاً با تبیین اعتبار سازگاری دارد: رانت جویی کاهش می‌یابد (به یاد دارید که فساد هنگامی بدترین وضعیت را دارد که متغیر فساد کمترین مقدار باشد) و ارایه دولتی کالاهای عمومی (حاکمیت قانون، کیفیت نظام اداری، غیبت روزنامه‌های دولتی و ثبت نام مدارس متوسطه)، سال‌های پیوسته‌تر انتخابات رقابتی را که کشورها تجربه کرده‌اند بالا می‌برد. برعکس، ارائه عمومی کالاهای هدفمند از طریق سرمایه‌گذاری عمومی یا اشتغال عمومی کاهش می‌یابد. استدلال قبلی نشان می‌دهد که معرفی متغیرهای درصد جمعیت که جوان یا روستایی است و درآمد سرانه، به کاهش تخمین ضریب انتخابات منجر می‌شود. دومین رگرسیون در هر کدام از جفت‌های رگرسیون، نشان می‌دهد که این قضیه صادق است: با وجود این سه متغیر، تخمین‌های ضریب انتخابات، هرچند هنوز کاملاً معنادار است، مقدار آن به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد.^{۱۲}

حد و اندازه اثر انتخابات یا اعتبار، در اکثر موارد بزرگ است. برای مثال در تصریح‌های امساک‌گونه در جدول ۲، یک انحراف معیار افزایش در سال‌های پیوسته انتخابات رقابتی (تقریباً ۲۰ سال) مرتبط با کاهش فساد به میزان بیش از نصف انحراف معیار بوده و ثبت نام مدارس متوسط را به میزان یک چهارم یک انحراف معیار افزایش می‌دهد.^{۱۳}

جدول ۳، تخمین‌های متغیر ابزاری رگرسیون‌های در جدول ۲ را با استفاده از دو ابزار گزارش می‌دهد، عرض جغرافیایی و میراث استعماری انگلستان. هدف از این تخمین‌ها، توجه به مسائل درونزای احتمالی و خطای اندازه‌گیری به علت استفاده از متغیر جانشین

جدول ۲: اثر تداوم انتخابات رقابتی (OLS)

متغیر وابسته	فساد در دولت	حاکمیت قانون	کیفیت نظام اداری	سهم بازار روزنامه‌های دولتی	ثبت نام مدارس متوسطه	خزانه حقوق و دستمزد دولت مرکزی به GDP	سرمایه گذاری عمومی به GDP
سال‌های مداوم انتخابات رقابتی	۰.۸۸۰ (۰.۰۰)	۰.۸۳۰ (۰.۰۰)	۰.۴۰ (۰.۰۰)	۰.۰۵۰ (۰.۰۰)	۰.۳۰ (۰.۰۰)	۰.۰۰۵ (۰.۰۰)	۰.۰۰۳ (۰.۰۰)
کل جمعیت (۱۰ میلیون نفر)	-۰.۱۴ (۰.۰۳)	-۰.۱۷ (۰.۰۱)	۰.۱۰ (۰.۰۰)	-۰.۳۴ (۰.۰۳)	-۰.۳۵ (۰.۰۰)	-۰.۰۰۷ (۰.۰۰)	-۰.۰۰۳ (۰.۰۰)
زمین (میلیون کیلومتر مربع)	-۰.۰۱ (۰.۸۱)	۰.۲۹ (۰.۳۹)	۰.۳۱ (۰.۵۲)	-۰.۰۳ (۰.۶۵)	-۰.۱۹ (۰.۸۶)	-۰.۰۳ (۰.۰۰)	-۰.۰۰۲ (۰.۰۰)
GDP سرانه (برابری قدرت خرید) جزایر	۰.۸۳ (۰.۱۶)	۰.۸۳ (۰.۰۰)	۰.۲۸ (۰.۰۰)	۰.۰۵ (۰.۴۷)	۰.۱۴ (۰.۰۶)	۰.۰۲ (۰.۱۳)	۰.۰۱ (۰.۱۹)
درصد جمعیت جوان	-۰.۷۲ (۰.۱۳)	-۱۱.۹ (۰.۰۰)	-۰.۲۱ (۰.۴۵)	۱.۷۲ (۰.۰۳)	-۱۹۲.۴ (۰.۰۰)	۰.۱۳ (۰.۰۲)	۰.۰۲ (۰.۵۴)
درصد جمعیت روستایی	۱.۱۱ (۰.۲۴)	۱.۲۵ (۰.۳۳)	۱.۲۷ (۰.۲۴)	۰.۵ (۰.۶۴)	-۱۲.۸۹ (۰.۱۴)	۰.۲۵ (۰.۳۲)	۰.۳ (۰.۰۵)
تراخ ثبت نام مدارس ابتدایی					۰.۴۰ (۰.۰۴)		
کل مخارج آموزشی به GDP					-۰.۹۱۶ (۰.۱۱)		
R ²	۰.۵۷	۰.۶۶	۰.۴۰	۰.۱۵	۰.۴۰	۰.۲۰	۰.۳۱
N	۹۷	۱۰۰	۹۸	۷۴	۱۰۷	۹۰	۸۶

مقادیر احتمال در برازش آمده است. هر مشاهده متعلق در بین یک رژیم - کشور است. که آغاز آن در نخستین سالی است که یک کشور انتخابات رقابتی داشته است (از سال ۱۹۷۵) و پایان آن در آخرین سالی است که یک کشور انتخابات رقابتی دارد (تا سال ۲۰۰۰). خطاهای استاندارد مستحکم گزارش شده است. بر حسب کشور گرد هم آمده‌اند به طوری که چندین کشور - رژیم از همان کشور به صورت مساهمات مستقل ملاحظه نمی‌شوند. همه رگرسیون‌ها شامل یک جمله ثابت هستند (که گزارش نشده است). برازها در رگرسیون متغیر افزایی با σ مشخصی شدند. فرض محرومیت را برآورده نمی‌سازند.



انتخابات است. در رابطه با درونزایی، هیچ ابزاری ارتباط قابل تأملی با انتخاب‌های سیاستی از ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۰، ندارد سال‌هایی که طی آن داده‌ها برای تخمین‌ها در دسترس هستند. با توجه به خطای اندازه‌گیری، هیچکدام به نظر نمی‌رسد ارتباط قابل تأملی با خطای اندازه‌گیری u داشته باشند که از کاربرد متغیر انتخابات به عنوان جانشینی برای اعتبار ناشی می‌گردد. در عین حال، عرض جغرافیایی (یا موقعیت جغرافیایی به طور کلی‌تر) و تجربه مستعمره بودن احتمالاً عوامل مشاهده‌نشده‌ای را در بر می‌گیرند که بر این قضیه تأثیر می‌گذارد که آیا کشورها دموکراتیک می‌شوند و چه مدت قادر به دموکراتیک باقی ماندن هستند.^{۱۴}

با یادآوری بحث پیشین، رابطه قوی بین سال‌های انتخابات پیوسته، اعتبار و کنترل کردن دو متغیر جمعیت و درآمد سرانه به این معنا است که هیچ ابزاری به صورت معنادار، متغیر انتخابات را در حضور این کنترل‌ها پیش‌بینی نمی‌کنند. نتایج جدول ۳ بر اساس تصریح‌های امساک‌گونه‌تر در جدول ۲ هستند. در هر حالت، تخمین ضریب متغیر انتخابات در تخمین‌های متغیر ابزاری در جدول ۳ بزرگتر از تخمین‌های متناظر در جدول ۲ هستند. بنابراین به نظر می‌رسد استفاده از ابزارها اریب تضعیف را به علت خطای اندازه‌گیری کاهش می‌دهد، که نشان می‌دهد خطای اندازه‌گیری اریب به سمت پایین به جای اریب به سمت بالای محرک درونزایی، دغدغه اصلی ناشی از رگرسیون‌های OLS جدول ۲ است.

صحت تخمین‌های متغیر ابزاری بستگی به این دارد که آیا ابزارها، متغیر انتخابات را پیش‌بینی می‌کنند و اینکه آیا آنها را می‌توان از مجموعه متغیرهای X که تصور می‌شود سیاست را تعیین می‌کند قانوناً حذف کرد. در رابطه با نخستین مورد، آزمون F ، فرضیه صفر را آشکارا رد می‌کند که این ابزارها هیچ قدرت توضیح‌دهندگی در معادله مرحله اول ندارند؛ آماره F در هر مورد کاملاً بزرگ است. در چهار تا از هفت مورد، آزمون L همچنین این فرضیه که ابزارها نباید از رگرسیون مرحله دوم حذف شوند را رد می‌کند. بنابراین نتایج متغیر ابزاری جدول ۳ شواهد قوی در چهار تا از هفت مورد ارایه می‌دهد که اریب به سمت پایین در ضریب اعتبار / انتخابات به علت خطای اندازه‌گیری، مسئله اصلی در تخمین‌های جدول ۲ بوده و نتایج معنادار به علت درونزایی ناشی از علیت معکوس یا متغیرهای حذف شده نیست.

در سه حالت دیگر، نتایج متغیر ابزاری نشان‌دهنده این هستند که درونزایی مسئله هرچند قانع‌کننده‌ای نیست، اما تحلیل‌ها در بخش‌هایی که به دنبال می‌آیند یک سری متغیرهای سیاسی و اضافی دیگر به درون تخمین‌ها وارد می‌کند. نتایج اصلی تغییر نمی‌کند.

سایر عوامل نفوذ بر انگیزه‌های سیاسی:

قطب‌بندی و نهادهای سیاسی

نتایج در جداول ۲ و ۳ شواهد قابل توجهی از رابطه بین سال‌های پیوسته انتخابات رقابتی و بروندادهای سیاستی ارائه می‌دهند. این رابطه دقیقاً با آنچه انتظار داریم، اگر مسئله زیربنایی دموکراسی‌های جوانتر، این مشکل مشاهده‌نشده است که رقبای سیاسی در دادن وعده‌های معتبر دارند سازگار است. اما دموکراسی‌های جوان‌تر و پیرتر به دلایل دیگری تفاوت دارند. این احتمال هست که سایر دلایل، که از نهادهای سیاسی و قطب‌بندی اجتماعی گرفته تا اطلاعات شهروندان، نتایج به دست آمده تا اینجا را بوجود آورده‌اند.^{۱۵} در این بخش و بخش بعدی، دو استدلال مطرح می‌سازیم. نخست اینکه یک موضوع نظری مطرح است که پیش‌بینی می‌شود فقط تفاوت‌های اعتبار بین دموکراسی‌های جوان و پیرتر، اثرات سیاستی مشاهده شده در اینجا را دارند. دوم اینکه از لحاظ تجربی، شواهد حکایت از این دارد که این متغیرهای سیاسی و اجتماعی دیگر، اثرات متغیرهای انتخابات بر بروندادهای سیاستی را در نظر نمی‌گیرند.

یکی از این متغیرها قطب‌بندی است. اما قطب‌بندی رأی‌دهندگان، احتمال دارد مخارج کالای عمومی و فساد را افزایش یا کاهش دهد. اثرات آن مشروط به تعداد گروه‌های قطب‌بندی شده و نهادهای انتخاباتی هستند. رأی‌دهندگانی که کاملاً قطب‌بندی شده در ابعاد ایدئولوژیکی هستند، وزن بسیار اندکی به وعده‌های سیاستی یا عملکرد نامزدها می‌دهند، [و این] که به نامزدهای با رجحیت ایدئولوژیکی اجازه می‌دهد تا رانت‌جویی را افزایش داده و ارائه کالاهای عمومی را بدون گرفتار تنبیه انتخاباتی شدن کاهش دهند. پیش‌بینی‌ها با مدل اعتبار تشریح شده قبلی یکسان است. به گونه دیگر همانطور که پرسون و تابلینی (۲۰۰۰: فصل ۸) نشان می‌دهند، قطب‌بندی به کاهش رانت‌جویی، ارایه کالای عمومی کمتر و ارائه کالای هدف‌گذاری شده بیشتر منجر می‌گردد.^{۱۶} این پیش‌بینی‌ها در تضاد شدید با مدل اعتبار سیاست است.

در تحلیل زیر، دسته‌بندی قومی نژادی (یعنی این احتمال که دو نفر به صورت تصادفی انتخاب شده، متعلق به یک گروه قومی یا زبانی نباشند) تغییر یافته است تا مفهوم قطب‌بندی اجتماعی را با دقت بیشتری منعکس سازد و همانند کیفر و ناک (۲۰۰۲)، بالاترین مقادیر قطب‌بندی اجتماعی را به کشورهایی واگذار می‌کنیم که افراد جامعه تقریباً ۵۰ درصد شانس برخورد با کسی از همان گروه قومی نژادی را دارند و پایین‌ترین مقادیر مربوط به زمانی است که آنها شانس خیلی بالا یا شانس خیلی پایین برخورد با کسی از همان گروه قومی زبانی را



دارند. این نظریه دلالت دارد که در دامنه میانی دسته‌بندی قومی نژادی، که جوامع احتمالاً بیشترین قطب‌بندی را دارند، چون احتمال بیشتری دارد دو گروه بزرگ و برابر، درگیری ایجاد کنند، در مقایسه با حالتی که بسیاری گروه‌های کوچک با یک گروه بزرگ داریم. قطب‌بندی قومی که این چنین تعریف شد، در کشورهایی که کمتر از تعداد میانه سال‌های انتخابات پیوسته دارند در حدود نیم انحراف معیار بالاتر است.

ادبیات نهادگرا نیز تبیین‌های قدرتمندی برای نوسان عملکرد بین دموکراسی‌ها ارائه می‌دهند. پرسون و تابلینی (۲۰۰۰) اثر تغییرات در انواع نهادهای انتخاباتی و سیاسی بر تصمیمات مخارجی دولت، خصوصاً ارائه کالاهای عمومی، انتقال منابع به هواداران محدود و رانت‌جویی را بررسی می‌کنند. جالب‌ترین موضوع اینجاست که آنها نشان می‌دهند نهادهای انتخاباتی حال چه انتخابات به صورت اکثریت نسبی با مطلق‌آراء باشد، حد و اندازه مناطق انتخاباتی کوچک یا بزرگ باشد تأثیر قابل توجهی بر این تصمیمات دارند. اما جهت اثر نهادی، بستگی قوی به تصریح مدل و به اینکه آیا به کالاهای عمومی محلی یا کالاهای عمومی ملی اهمیت داده شود، دارد.^{۱۷}

قواعد انتخاباتی و نظام‌های سیاسی نیز در این ادبیات پیش‌بینی شده است که اثرات منظمی بر سیاست‌گذاری دولت دارد هر چند که لزوماً در جهت‌هایی که بروندادهای اینجا را تبیین می‌کنند نیست. نظام‌های رأی‌دهی اکثریت احتمالاً تمرکز شدیدی به پرداخت‌های انتقالی به حوزه‌های انتخابیه محدود را (نواحی مستقل) تشویق می‌کند، اما مخارج کالای عمومی پایین را نیز تشویق می‌کند (پرسون و تابلین (۲۰۰۰) را ببینید). با پیروی از پرسون، تابلینی و تربی (۲۰۰۳) و با استفاده از اطلاعات DPI، کشورها را با نظام اکثریت آراء می‌نامیم، اگر قواعد انتخاباتی متکثری داشته باشند و مقدار ناحیه میانه کمتر از سه باشد. نظام‌های سیاسی کشورها حال چه پارلمانی یا ریاست‌جمهوری باشند بر پایه متغیر نظام از DPI تعیین می‌شوند. کشورهای با سال‌های بیشتر انتخابات مداوم، تقریباً ۵۰ درصد احتمال بیشتری می‌رود که دموکراسی‌های پارلمانی با قواعد انتخاباتی نمایندگی به تناسب آراء داشته باشند. اما قواعد اکثریت آراء به خودی خود با سال‌های پیوسته انتخابات رقابتی همبستگی ندارند. رگرسیون‌های جدول ۴ نشان می‌دهند که هیچ‌کدام از این متغیرها، تفاوت عملکرد بین دموکراسی‌های جوان‌تر و پیرتر را در نظر نمی‌گیرند. این جدول، دو مجموعه رگرسیون را گزارش می‌دهد. هر کدام به عنوان یک پایه، امساک‌گونه‌تر از هر جفت تصریح‌ها در جدول ۲ را استفاده می‌کنند. نخستین مجموعه رگرسیون‌ها در جدول ۴ به صورت هم‌زمان، قطب‌بندی

جدول ۳: اثرات تداوم انتخابات رقابتی حداقل مربعات دو مرحله‌ای

سریه گذاری عمومی به GDP	سرانه کداری عمومی به GDP	هزینه حقوق و دستمزد دولت مرکزی به GDP	تبت نام مدارس میانگین	سهم بازار روزنامه‌های دولتی	کفایت نظام اداری	حاکمیت قانون	فساد در دولت	شماره وابسته
-۰۰۰۵	-۰۰۰۶	۱،۷۷۸	-۰۰۸	۱۲۰	۰۱۳	۱۱۰	سال‌های بی‌وسه انتخابات رقابتی	
(۰۱)	(۰۵)	(۰۰)	(۰۳)	(۰۰)	(۰۰)	(۰۰)		
-۰۰۰۳	-۰۰۰۶	-۱۱	-۰۴	۰۱۴	-۱۳	-۱۳	کل جمعیت (۱۰ میلیون)	
(۰۰۴)	(۰۰)	(۳۰)	(۰۳۴)	(۳۰)	(۰۸)	(۰۵)		
-۰۰۳	-۰۰۴	-۳،۹	-۰۳	۰۲۰	۰۵۳	۰۲۵	زمین (اسپتون گیونتر مربع)	
(۰۱)	(۰۱)	(۰۳)	(۸۶)	(۸۳)	(۶۱)	(۸۰)		
		۴۹					تبت نام مدارس ابتدایی	
		(۰۰۳)						
		۶۲،۶					کل مخارج آموزشی به GDP	
		(۷۳)						
۰۷۳	۰۸۳	۰۰۸۸	۰۳۴	۰۲	۰۹۳	۰۹۴	R ²	
۰۷۸	۰۷۹	۰۹۶	۰۶۵	۰۹۶	۰۹۶	۰۹۵	N	
۱۵،۶۸	۱۵،۵۱	۱۴،۶۲	۱۰،۳۳	۱۲،۳۵	۱۲،۳۵	۱۲،۹۲	آزمون F در ابزارها در مرحله اول	
۰۰۶	۰۰۲	۰۲۰	۰۹۱	۰۵۷	۰۳۷	۰۸۰	آزمون فرقیه لا هائینس که ابزارها را می‌توان از مرحله دوم حذف کرد	

مقادیر احتمال در پانزده غسند، هر مشاهده سیکلین کشور. رژیم است که در نخستین سالی که یک کشور انتخابات رقابتی دارد (تا ۱۹۷۵) شروع شده و در آخرین سالی که انتخابات رقابتی دارد (تا ۲۰۰۰) پایان می‌یابد. خطاهای استاندارد مستحکم گزارش شده‌اند. بوجهب کشور گردانده‌اند به طوری که کشور- رژیم جداگانه از همان کشور، به صورت مشاهدات مستقل تلقی نمی‌شوند. همه رگسیون‌ها شامل یک عدد ثابت هستند (که گزارش نشده است).



را کنترل می‌کنند حال چه کشورها نظام انتخاباتی حداکثر آراء و چه نظام‌های سیاسی پارلمانی داشته باشند. مجموعه دوم که در بخش زیر بحث می‌شود، اثر شمارگان روزنامه‌ها را ارزیابی می‌کند (اطلاعات رأی دهنده). اگر تخمین‌های ضرایب انتخابات در جدول ۲ با حذف هر کدام از این متغیرها بوجود آمده باشد، ضریب انتخابات در جدول ۴ باید کوچک بوده و معنی دار نباشد.

در واقع هرچند قطب‌بندی قومی‌زبانی و نهادهای سیاسی و انتخاباتی، معمولاً به صورت منظم بین دموکراسی‌های جوانتر و پیرتر تفاوت دارند، آنها الگوی سیاست‌های مرجح توسط کشورها با سال‌های کمتر انتخابات پیوسته را توضیح نمی‌دهد. متغیر انتخابات تقریباً با همان حد و اندازه همانند جدول ۲ حتی پس از اینکه متغیرهای قطب‌بندی و نهادی شامل گردیدند، معنادار باقی می‌ماند. قطب‌بندی قومی ارتباط نزدیکی با مداخله کمتر دولت در روزنامه‌ها و سرمایه‌گذاری عمومی دارد، اما همچنین ثبت نام کمتر در مدارس متوسطه، که این آخری با یافته‌های مخارج کالای عمومی در آلسینا، باقر و ایسترلی (۱۹۹۹) سازگاری دارد. قوانین انتخاباتی نظام‌های حداکثر آراء و پارلمانی، ارتباط نزدیکی با فساد بالاتر دارند (به یاد آورید که مقادیر بالاتر متغیر فساد، دلالت بر سلامت بیشتر و فساد کمتر دارد)، برعکس [نتایج پرسون، تابلینی و تربی (۲۰۰۳)]، اما نظام‌های اکثریت آراء ارتباط نزدیکی نیز با ثبت نام مدارس متوسطه دارند. نظام‌های پارلمانی و غیراکثریت آراء نیز مداخله کمتر دولت در روزنامه‌ها را نشان می‌دهند.

سایر عوامل مؤثر بر انگیزه‌های سیاسی:

اطلاعات رأی دهنده

اطلاعات محدود رأی دهنده درباره نوع سیاستمدار یا اقدامات سیاستمداران نیز اختلالاتی در فرایند سیاست‌گذاری بوجود می‌آورد. این بخش بررسی می‌کند که آیا اطلاعات رأی دهنده، به جای اعتبار، نتایج انتخابات در جدول ۲ را توضیح می‌دهد. اما این آزمون به همین راحتی نیست، چون یک استدلال قوی می‌توان اقامه کرد که متغیر جانشین استاندارد برای اطلاعات شهروندان، شمارگان روزنامه‌ها است که به خودی خود تأثیر سنگینی از سیاست‌های دولت می‌پذیرد که توسط اعتبار وعده‌های دولت از قبیل مالکیت دولتی روزنامه‌ها تعیین می‌شوند. گروسمن و هیلمن (۱۹۹۶) پیش‌بینی می‌کنند که هر اندازه نسبت رأی دهندگان بی‌اطلاع درباره مواضع سیاست مرجح سیاستمداران بیشتر باشد، انگیزه‌های سیاسی برای جمع‌آوری منابع از گروه‌های خاص در قبال الطاف به منظور «مطلع ساختن» این دسته رأی دهندگان

جدول ۴: تبیین‌های بدیل برای عملکرد دموکراسی‌های جوان

سرمایه‌گذاری عمومی به GDP	حقوق و دستمزد GDP به دولتی	تهدید نام‌مداری متوسطه	سهم بازار روزنامه‌های دولتی	کیفیت نظام اداری	حاکمیت قانون	فساد در دولت	مشغور وابسته
۰.۳ (.۲)	۰.۵ (.۱)	۷۳. ()	۰.۲ (.۱۲)	۰.۷ ()	۴. ()	۷. ()	تداوم انتخابات رقابتی
۰.۱ (.۴)	۰.۶ (.۲۹)	۲۶. (.۵۲)	۰.۱ (.۲۱)	۳۴. (.۲۹)	۹۳. (.۱)	۳۷. (.۱)	فصلبندی قومی‌زبانی
۰.۸ (.۹۲)	۰.۳ (.۷۶)	۹.۸ (.۱۲)	۱.۴ (.۳)	۰.۶ (.۸۸)	۴۹. (.۳)	۰.۵۸ (.۱)	اکثریت آرایه (۱) یا عدم اکثریت آرایه ()
۰.۷ (.۳۵)	۰.۱ (.۲)	۷۳. (.۲۸)	۰.۸ (.۹)	۸۱. (.۲)	۸۸. (.۱)	۲۵. (.۲۱)	پارلمانی (۳)، شبه پارلمانی (۱) یا ریاست‌جمهوری ()
۳.۹ (.۸۴)	۳.۱ (.۸۸)	۲۶. (.۱۲)	۳ (.۷)	۰.۶ (.۹۱)	۰.۵۴ (.۱)	۰.۶ (.۸۸)	R^2 N
۰.۱ (.۳۴)	۰.۱ (.۵۵)	۳۷. (.۵۳)	۰.۶ (.۱)	۰.۶ (.۲)	۳. (.۲)	۰.۶ ()	تداوم انتخابات رقابتی
۰.۴ (.۹)	۰.۱ (.۳)	۱۴. ()	۰.۶ ()	۰.۶ ()	۹. ()	۰.۶ ()	نشان‌گان دوزنامه‌ها
۱.۸ (.۸)	۲.۴ (.۸۵)	۶. (.۱۳)	۶.۲ (.۹۶)	۰.۵۷ (.۹۶)	۶.۴ (.۹۶)	۶.۴ (.۹۶)	R^2 N

مقادیر احتمال داخلی پراکنش است. متغیرهای کنترل شبه جدول ۲ هستند اما به علاوه جمله ثابت که گزارش شده است. هر مشاهده، می‌تواند در بین یک کشور-رژیم است که در نخستین سالی که کشور انتخابات رقابتی دارد (یا سال ۱۹۷۵) شروع شده و در آخرین سالی که یک کشور انتخابات رقابتی دارد (یا سال ۲۰۰۰) پایان می‌یابد. خط‌های نشان‌دار مستحکم گزارش شده‌اند، به صورت کشوری مورد آمده‌اند به طوری که چندین کشور-رژیم از همان کشور به صورت مشاهدات مستقل تلقی نگردیده‌اند.



بیشتر است. از آنجا که دموکراسی‌های جوان‌تر احتمال می‌رود، رأی دهندگان با اطلاع کمتری داشته باشند، مدل‌ها در این حالت پیش‌بینی می‌کنند که دموکراسی‌های جوان، احتمال بیشتری می‌رود سیاست‌هایی به نفع گروه‌های کوتاه‌بین در برابر فراگیر اجرا نمایند. بسلی و بورکس (۲۰۰۳) بر رابطه بده بستان بین ارائه پرداخت‌های انتقالی خصوصی به رأی‌دهندگان و رانت‌جویی توسط سیاستمداران تمرکز می‌کنند. تحلیل آنها پیش‌بینی می‌کند که سیاستمداران کمتر از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند (به رانت‌جویی کمتری مبادرت می‌ورزند) و منابع دولتی بیشتری به شهروندان به شکل پرداخت‌های انتقالی هدایت می‌کنند هنگامی که افشاکاری رسانه‌ها و درصد رأی‌دهندگان بیشتر است. اما این تحلیل‌ها به این نکته نمی‌پردازد که آیا شهروندان آگاه‌تر، سیاستمداران را تشویق به هدایت منابع به سمت ارائه کالای عمومی به زیان کالای خصوصی می‌کنند یا خیر. هنوز روشن نیست چگونه اطلاعات رأی‌دهنده بر انگیزه‌های سیاستمداران برای توسل جستن به بخش محدود یا گسترده جامعه تأثیر می‌گذارد. شمارگان روزنامه‌ها، پرستفاده‌ترین متغیر جانشین برای اطلاعات رأی‌دهنده است که به بحث رفتار دموکراسی‌های جوان ارتباط پیدا می‌کند. این شمارگان در کشورهایی که انتخابات بیش از ۱۹ سال پیاپی برگزار شده است، سه برابر بیشتر از کشورهای با سال‌های کمتر است. بسلی و بورکس (۲۰۰۳) متوجه شدند که شمارگان بیشتر روزنامه‌های محلی باعث می‌شود تا دولت‌ها، پرداخت‌های انتقالی بیشتری به شهروندان متأثر شده از کمبود مواد غذایی بدهند.^{۱۸} آدسرا و همکاران (۲۰۰۳) و سایرین نیز دریافتند که در مقایسه‌های بین‌کشوری، شمارگان روزنامه‌ها به ازای ۱۰۰۰ نفر جمعیت، از شاخص‌های توسعه جهانی، ارتباط معناداری با فساد کمتر دارد. در مجموع، ادبیات موضوع از این مفهوم که اطلاعات رأی‌دهندگان به جای اعتبار سیاست عملکرد سیاستی دموکراسی‌های جوان را تبیین می‌کنند، پشتیبانی می‌نمایند.

شمارگان روزنامه‌ها ظاهراً آسیب‌پذیری بالایی از سیاست مداخله دولتی می‌پذیرد. با استفاده از داده‌های دیانکوف و همکاران (۲۰۰۳)، متوجه می‌شویم که ۴۰ درصد افزایش (یک انحراف معیار) در سهم بازار روزنامه‌های دولتی به صورت نسبتی از سهم بازار پنج روزنامه اصلی، با کاهش شمارگان روزنامه‌ها به اندازه ۰/۴ انحراف معیار ارتباط دارد. احتمال می‌رود که شمارگان روزنامه‌ها یک متغیر جانشین برای اعتبار سیاسی مشاهده‌نشده و اطلاعات شهروندی مشاهده‌نشده باشد، تفسیر اثرات برآورد شده شمارگان روزنامه بر سیاست را دشوار می‌سازد.

با وجود این ابهام، مجموعه پایین‌تر رگرسیون‌ها در جدول ۴، شمارگان روزنامه را به

تصریح رگرسیون اصلی جدول ۲ در عرض همه حوزه‌های سیاستی به جز سهم بازار روزنامه‌های دولتی می‌افزاید. وقتی شمارگان روزنامه‌ها شامل می‌شود، به رغم ارتباط نزدیک شمارگان روزنامه با اعتبار عاملان سیاسی متغیر انتخابات در همه موارد به جز دو مورد معنادار باقی می‌ماند. پشتیبانی بیشتر از این استدلال که شمارگان روزنامه با اعتبار در ارتباط است، شمارگان روزنامه مستقلاً با فساد کمتر، ارایه کالای عمومی بالاتر (حاکمیت قانون، کیفیت نظام‌اداری، ثبت نام مدارس متوسطه) و پرداخت‌های انتقالی کمتر به گروه‌های هدف (سرمایه‌گذاری عمومی و اشتغال دولتی) همبستگی دارد.

سایر عوامل نفوذگذار بر انگیزه‌های سیاسی:

اثرات رهبری

با اینکه نتایج در جدول ۲ در برابر انواع تصریح‌ها، شامل کنترل عوامل تعیین‌کننده سیاسی بدیل، استحکام دارد تعریف تا حدی دست و دل‌بازانه از انتخابات رقابتی که در اینجا استفاده شده است (چندین حزب رقابت می‌کنند، و هیچ حزبی بیش از ۷۵ درصد آراء را کسب نمی‌کند) احتمالاً کشورهای رادر برمی‌گیرد که یک رهبر واحد برای دوره زمانی قابل ملاحظه‌ای در قدرت باقی می‌ماند. بنابراین متغیر انتخابات، سال‌های انتخابات رقابتی پیوسته را با اثرات رهبری سال‌هایی که یک رهبر منفرد بر سرکار بوده است، ترکیب می‌کند. این اثرات رهبری معنادار هستند، هر چند جهت پیش‌بینی آنها مبهم است. این بخش مستند می‌سازد که نتایج درباره سال‌های مداوم انتخابات رقابتی در جداول ۲ و ۳ مستحکم هستند که میانگین دوره تصدی قوه مجریه در هر دوره دموکراتیک کنترل می‌شود.

پرزورسکی و همکاران (۲۰۰۰) استدلال می‌کند که رهبران منتخب را نمی‌توان پاسخگوی دموکراتیک فرض نمود، زمانی که یک گذار دموکراتیک از یک حزب به حزب دیگر رخ ندهد. تعریف دموکراسی که در اینجا استفاده می‌شود، طول دوام دموکراتیک از اولین انتخابات را محاسبه می‌کند، بنابراین اثرات اعتبار با توانایی اثبات شده دموکراسی‌های قدیمی‌تر به کنار گذاشتن رهبران جاخوش کرده را ترکیب می‌کند. از طرف دیگر، کلیگ و همکاران (۱۹۹۶) و سایرین تأکید کرده‌اند که مستبدان با بقای طولانی، با حقوق مالکیت مطمئن‌تر مرتبط هستند. واضح نیست که آیا این منطق از تجربه مدیران اجرایی منتخب با بقای طولانی پشتیبانی می‌کند. هر اندازه که این طور باشد، متغیر انتخابات در جداول ۲ و ۳ اثرات سیاسی رهبرانی که انتظار باقی ماندن طولانی‌تر در قدرت را دارند عملاً نشان می‌دهد.



حذف میانگین دوره تصدی رهبران نیز سایر اربها را بوجود می‌آورد. برای مثال، تلاش‌های رهبران منتخب برای سرکوب رقابت سیاسی از طریق تقلب در آراء، استفاده مهار نشدنی از منابع عمومی برای اهداف سیاسی، یا از طریق محدودیت‌های صراحتاً قانونی بر هم‌آوردن بالقوه، به دشواری مشاهده می‌شوند، اما نفوذ بالقوه‌ای بر متغیرانتخابات و برون‌دادهای سیاسی دارند. پیوست ۲ شواهدی از پیوندهای نزدیک بین سال‌های انتخابات رقابتی و میانگین دوره تصدی رهبران منتخب ارائه می‌کند. کنترل‌ها برای میانگین دوره تصدی رهبران باید اکثر این تاکتیک‌های سیاسی ضددموکراتیک مشاهده نشده را به خوبی دربرگیرد.

اگرچه استدلال‌های بی‌شماری وجود دارد که نشان می‌دهد اثرات رهبری مشاهده نشده، احتمالاً متغیر انتخابات بکاررفته در بالا را اربدار می‌کند، اما هیچکدام از اینها در عمل تأیید نمی‌شوند. یک متغیر که دوره تصدی رهبران منفرد را کنترل می‌کند، میانگین سال‌های بر سر کار بودن رئیس قوه مجریه طی حادثه دموکراتیک مربوطه (از بانک اطلاعاتی نهادهای سیاسی) در همه تصریح‌ها در جداول ۲ و ۳ شامل شد. در هر مورد، ضریب تخمین زده شده متغیر انتخابات کاملاً مستحکم است. این نتایج گزارش نشده‌اند چون که در اکثر سیاست‌های تحت بررسی، میانگین سال‌های بر سر کار بودن قوه مجریه معنادار نبود.^{۱۹}

نتیجه‌گیری

تعداد سال‌های پیوسته انتخابات رقابتی، تأثیر معناداری بر هفت حوزه سیاستی دارد که در سطحی گسترده به عنوان کلید توسعه اقتصادی شناخته می‌شوند. فقط یک تبیین برای این مسئله در آزمون‌های پیشین پشتیبانی می‌شود: در جایی که رقبای سیاسی، توانایی دادن وعده‌های معتبر به رأی‌دهندگان ندارند، سیاست‌ها به همان شیوه تحریف می‌شوند که هنگام مقایسه انتخاب‌های سیاستی در بین دموکراسی جوان‌تر و پیرتر مشاهده می‌کنیم. روابط حامی مباشر در جامعه به قلمرو سیاسی با تسهیلات بیشتر در چنین محیطی انتقال می‌یابد. پرداخت‌های انتقالی بالا، رانت‌جویی بالا و سطوح پایین ارائه کالای عمومی تولید می‌کند. این استدلال، اجزای حجم متنوعی از تحقیقات بررسی‌کننده مباشر پروری، عملکرد دموکراسی‌های جوان و اهمیت نهادهای داخلی برای برون‌دادهای سیاست عمومی اساسی را به هم‌گره می‌زند. هانتینگتن استدلال مشهوری نمود که نظام‌های سیاسی بی‌ثبات هستند وقتی مشارکت سیاسی سریع‌تر از نهادسازی سیاسی پیش می‌رود. این روابط گسترده به آسانی آزمون، یا حتی تعریف نمی‌شوند. برای مثال هانتینگتن نشان می‌دهد که سامانه‌ها کاملاً

نهادینه می‌شوند وقتی آنها «قابل انطباق‌تر، پیچیده‌تر، منسجم‌تر و مستقل‌تر» می‌شوند (هانینگتن، ۳۱۵: ۱۹۷۱). شفتر (۱۹۹۴) مفهوم ملموس‌تری از نهادسازی را استفاده می‌کند یک تشکیلات دولتی که به خوبی کار می‌کند وجود دارد و استدلال می‌کند که وقتی انتخابات مقدم بر توسعه چنین تشکیلاتی است، احتمال بیشتری می‌رود مباشرپروری (که ظاهراً به صورت حامی‌گرایی جلوه‌گر می‌شود) ظاهر شود. این تحلیل‌ها به شرایطی که تحت آنها چنین تشکیلاتی ظاهر می‌شود، نمی‌پردازد. اینکه چرا آنها باید رفتار رأی‌دهنده و سیاستمدار را تغییر دهند، نه اینکه چه اختلافات سیاستی خاصی در دولت‌های کمتر نهادینه شده باید انتظار داشته باشیم. منطق این مقاله به ما کمک می‌کند تا این شکاف‌ها را با مستند ساختن روابط بین اعتبارسیاسی، مباشرپروری، سال‌ها پیوسته انتخابات رقابتی و تصمیمات سیاستی دولت پر کنیم.

نگاه نهادسازی که در اینجا بسط می‌یابد به تبیین سایر معماهای طرح شده ادبیات موضوعی کمک می‌کند. برای مثال کلیگ و همکاران (۱۹۹۶) نشان می‌دهند که عمر دموکراسی‌ها، تأثیر قابل توجهی بر امنیت حقوق مالکیت دارد اما توضیح نمی‌دهند چرا رهبران دموکراسی‌های جوان‌تر به طور منظم، تمایل کمتری به دفاع از امنیت حقوق مالکیت دارند. تریسمان (۲۰۰۰) و آدسرا (۲۰۰۳) هر دو دریافتند که دموکراسی، فی‌نفسه هیچ اثر مستحکمی بر فساد ندارد. تریسمان متوجه شد که دموکراسی‌های با عمر طولانی، فساد کمتری از سایر کشورها دارند. این مقاله علاوه بر بسط دادن چنین یافته‌هایی، تبیینی دیگر برای آنها ارائه می‌دهد. اما کار بیشتری باید انجام گیرد تا اثرات اعتبارسیاسی بر تصمیم‌گیری دولت روشن شود. برای مثال، چگونه اعتبارسیاسی بر روابط بین نهادهای سیاسی و انتخاباتی و تصمیمات دولتی تأثیر می‌گذارد؟ شواهد بیشتری نیاز است تا فرضیه اعتبارداشتن را مستقیماً آزمون کرده و رابطه پیچیده بین اعتبار، ماندگاری دموکراسی، و متغیرهایی از قبیل درآمد و جمعیت و توزیع شهری و روستایی آن را بررسی نماید.

پیوست ۱

هم خطی، اریب تضعیف را تشدید می کند

برای اینکه ببینیم هم خطی می تواند اریب به سمت پایین را به علت اثر تضعیف تشدید نماید، فرض کنید که سیاست y فقط تحت تأثیر اعتبار x_1 که مشاهده نمی شود و متغیر دوم غیر قابل مشاهده x_2 قرار دارد. فرض کنید اعتبار فقط تابعی از سال های پیوسته قابل مشاهده انتخابات رقابتی Z بوده و جملات ثابت را حذف کردیم. یعنی:

$$y_i = B_1 x_{1i} + B_2 x_{2i} + \varepsilon_i \quad (1)$$

$$x_{1i} = \alpha z_i + u_i \quad (2)$$

به طوری که تخمین می زنیم:

$$y_i = B_1 (\alpha z_i + u_i) + B_2 x_{2i} + \varepsilon_i = B_1 \alpha z_i + B_2 x_{2i} + B_1 u_i + \varepsilon_i \quad (3)$$

ضرایب تخمین زده شده $\beta_1 = b_1$ و $\beta_2 = b_2$ به وسیله $[b] = [S_{yy}]^{-1} [S_{xy}]$ داده شده اند، که

$$[b] = \frac{1}{\frac{1}{\alpha^2} \sum (x_{1i} - u_i)^2 \sum x_{2i}^2 - \left(\frac{1}{\alpha} \sum (x_{1i} - u_i) \sum x_{2i} \right)^2} \begin{bmatrix} \sum x_{2i} & -\frac{1}{\alpha} \sum (x_{1i} - u_i) x_{2i} \\ -\frac{1}{\alpha} \sum (x_{1i} - u_i) x_{2i} & -\frac{1}{\alpha^2} \sum (x_{1i} - u_i)^2 \end{bmatrix}$$

و

$$[S_{yy}] = \begin{bmatrix} \frac{1}{\alpha^2} \sum (x_{1i} - u_i) (B_1 x_{1i} + B_2 x_{2i} + \varepsilon_i) \\ \sum x_{2i} (B_1 x_{1i} + B_2 x_{2i} + \varepsilon_i) \end{bmatrix}$$

رتال جامع علوم انسانی

با تعیین

$$\frac{1}{\alpha^2} \sum (x_{1i} - u_i)^2 \sum x_{2i}^2 - \left(\frac{1}{\alpha} \sum (x_{1i} - u_i) \sum x_{2i} \right)^2 = D$$

و ضرب کردن ما بدست می آوریم

$$\frac{1}{D} \begin{bmatrix} \frac{1}{\alpha} \sum x_{2i} \sum (x_{1i} - u_i) (B_1 x_{1i} + B_2 x_{2i} + \varepsilon_i) - \frac{1}{\alpha} \sum (x_{1i} - u_i) x_{2i} \sum x_{2i} (B_1 x_{1i} + B_2 x_{2i} + \varepsilon_i) \\ -\frac{1}{\alpha^2} \sum (x_{1i} - u_i) x_{2i} \sum (x_{1i} - u_i) (B_1 x_{1i} + B_2 x_{2i} + \varepsilon_i) + \frac{1}{\alpha^2} \sum (x_{1i} - u_i)^2 \sum x_{2i} (B_1 x_{1i} + B_2 x_{2i} + \varepsilon_i) \end{bmatrix}$$



سطراول این عبارت، جواب برای b_1 است. با ضرب کردن و توجه داشتن که x_1 ، x_2 ، u و ϵ مستقل از همدیگر هستند و با ساده‌سازی، به دست می‌آوریم که b_1 مساوی می‌شود با:

$$\frac{1}{D} \left[\frac{1}{\alpha} \sum x_{1i}^2 \sum x_{2i} (\beta_1 x_{1i} + \beta_2 x_{2i}) - \frac{1}{\alpha} \sum x_{1i} x_{2i} \sum x_{2i} (\beta_1 x_{1i} + \beta_2 x_{2i}) \right]$$

$$= \frac{1}{D} \beta_1 \frac{1}{\alpha} \left(\sum \epsilon_{1i} \sum x_{1i}^2 - \left(\sum x_{1i} x_{2i} \right)^2 \right)$$

با ساده‌سازی D و تقسیم صورت و مخرج به

$$\left(\sum x_{1i}^2 \sum x_{2i}^2 - \left(\sum x_{1i} x_{2i} \right)^2 \right) = D$$

به دست می‌آوریم

$$b_1 = \frac{A_1}{A_2} = \frac{\frac{1}{\alpha Q} \left[\sum x_{1i}^2 \sum x_{2i}^2 - \left(\sum x_{1i} x_{2i} \right)^2 \right] - \frac{\sigma_{\epsilon_1}^2}{\alpha Q} \left(\sum x_{1i}^2 - \left(\sum x_{1i} \right)^2 \right)}{\left(\sum x_{1i}^2 \sum x_{2i}^2 - \left(\sum x_{1i} x_{2i} \right)^2 \right)}$$

۶۵

طبق معمول، تضعیف ایجاد می‌شود چون سال‌های پیوسته انتخابات یک شاخص کامل از اعتبار نیست، که در (۴) با جمله $\delta_{\epsilon_1}^2$ نشان داده شده است. اگر $\delta_{\epsilon_1}^2$ صفر باشد هیچ اثر تضعیفی وجود ندارد. اگر واریانس خطا در معادله (۳) بزرگتر باشد، اثر تضعیف بزرگتر است. این در مقابل به معنای اینست که اگر Q کوچکتر باشد، اثر تضعیف بزرگتر است. به راحتی دیده می‌شود که اگر همبستگی بین x_1 و x_2 بالاتر باشد، Q کوچکتر است.

توجه دارید که همبستگی بین دو متغیر، $\frac{\sum x_{1i} x_{2i}}{\sum x_{1i} \sum x_{2i}}$ است. اگر صورت کسر بزرگتر باشد، همبستگی بالاتر، جمله دوم نسبت به Q، بالاتر و Q پایین‌تر است. به طور مشابه، اگر مخرج پایین‌تر است، همبستگی بالاتر، جمله اول نسبت به Q پایین‌تر و دوباره Q پایین‌تر است. یعنی اعتبار مشاهده نشده با دومین عامل برون‌دادهای سیاستی همبستگی بسیار بالاتری دارد، ضریب تخمین اثر اعتبار بیشتر است، با استفاده از سال‌های پیوسته متغیر جانشین انتخابات استخراج شده است به سمت پایین اریب دارد.

این همبستگی به چندین دلیل بالا است. یکی که به راحتی شناسایی می‌شود در داده‌ها به شرح زیر آشکار است. سال‌های پیوسته انتخابات در یک کشور، کاملاً برونزا نیست. در واقع احتمال می‌رود تحت تأثیر همان متغیرها از قبیل x_2 باشد که بر سیاست تأثیر می‌گذارد.

یعنی احتمال می رود که از یک فرایند چیزی مثل این بیرون آید:

$$x_1 = \gamma_1 w_1 + \gamma_2 x_2 + v_1 \quad (5)$$

سپس می توانیم (۲) را به صورت $x_{1,t} = \alpha(\gamma_1 w_{1,t} + \gamma_2 x_{2,t} + v_{1,t}) + u_t$ بازنویسی کنیم و به سرعت متوجه می شویم که همبستگی بین اعتبار x_2 و به وسیله α داده می شود. هر اندازه که x_2 بر سال های پیوسته انتخابات تأثیر می گذارد، اریب به سمت پایین در تخمین اثر اعتبار بر برون داده های سیاستی در هنگام استفاده از متغیر جانشین انتخابات بیشتر است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



پیوست ۲

دوره تصدی رهبر و طول عمر دموکراسی

واضح است رهبران منتخبی که با موفقیت تلاش غیرقابل مشاهده و غیردموکراتیک می‌کنند تا رقبا را بیرون برانند پاسخگویی کمتری داشته و بنابراین با احتمال بیشتر در فساد دست دارند و تمایل کمتری به ارائه کالاهای عمومی‌گسترده دارند. شواهد قابل توجه نیز نشان می‌دهد که دوره تصدی رهبر، دوره‌های پیوسته انتخابات رقابتی را کوتاه می‌سازد. اگر رهبران منتخب در سرکوب رقبا موفق شوند، آنها سرانجام بیش از ۷۵ درصد آراء را بدست می‌آورند و از دسته‌بندی «انتخابات رقابتی» که متغیر انتخابات را تعریف می‌کند کنار گذاشته می‌شوند. به بیان دیگر، رهبرانی که رقابت انتخاباتی را سرکوب می‌کنند رقابت غیرانتخاباتی را تشویق می‌کنند، احتمال اینکه رهبران غیرمنتخب جانشین آنها شوند را افزایش می‌دهند. مجدداً کشور از دسته «انتخابات رقابتی» کنار گذاشته می‌شود.

در DPI، ۳۶ واقعه وجود دارد که کشورها، از دسته رقابتی‌ترین انتخابات کنار گذاشته می‌شوند؛ در همه ۳۶ واقعه، میانگین دوره تصدی صاحب منصبان قبل از تغییر در رقابت‌پذیری انتخاباتی بالاتر از متوسط است: ۷/۳ سال در مقایسه با ۴/۳ سال برای همه کشور سال‌ها طی دوره انتخابات رقابتی پیوسته، علاوه بر این، حزب اکثریت ۶۶ درصد کرسی‌ها در قوه‌مقننه را به طور متوسط در اختیار دارد، در مقایسه با میانگین ۵۸ درصد بین همه کشورهای در دسته «رقابتی‌ترین».

در چهارده تا از ۳۶ واقعه، دولت در قدرت باقی ماند، به برگزاری انتخابات تاحدی کمتر رقابتی ادامه داد (که چندین حزب رقابت می‌کنند اما حزب دولت بیش از ۷۵ درصد رأی را بدست آورد) و صرفاً موضع سیاسی غالب‌تر را جمع‌آوری کرد. در این موارد، اکثریت دولت در قوه‌مقننه به طور میانگین به ۷۷ درصد افزایش یافت. در ۱۳ تا از ۲۲ مورد که متصدی امر قدرت را از دست داد، از طرف دیگر، دولت جدید کنترل فرآیندهای کسب کرد و حتی ظاهرسازی به برگزاری انتخابات نکرد. (با پیروی از کدگذاری DPI، از LIEC و EIEC، گروه ۱۹ کشور از امتیازات ۷ در LIEC یا EIEC به ۶ سقوط کرد، در حالی که ۱۳ کشور که انتخابات را کنار گذاشتند از ۷ به ۲ سقوط کردند). این سیر تحول دقیقاً آن چیزی است که از کنترل دولت برای تغییر در کشورهایی انتظار داریم که مزیت متصدی امر بودن بالا است.

مثال‌های فراوانی از نوع زیر وجود دارد که یافته‌های آماری بیشتری را نشان می‌دهد. رئیس‌جمهور سابق پرو آلبرتو فوجی موری، با تقریباً ۲۵ درصد آرای دور اول در ۱۹۹۰ به

قدرت رسید. معروف است که او از حمایت روز افزون عمومی برخوردار شد، حتی پس از اینکه قوه مقننه را منحل کرد و اکثر قضاات را در ۱۹۹۲ اخراج نمود و حدود ۶۵ درصد رأی را در ۱۹۹۵ کسب نمود در رقابت با دبیر کل سابق سازمان ملل خاویر پرز دکویار. آنچه کمتر دانسته شده است اینکه فوجیموری به محض رسیدن به قدرت در باره افتتاح شخصی پروژه های کوچک اطراف کشور بی پروا بود و تقریباً به سرعت شروع به جلب نظر مجدانه رأی دهندگانی کرد که شناخت ناچیزی از وی داشتند و با افتتاح مشخصاً پروژه های عمومی هدف گذاری شده به گروه های اندک محدود در روستاهای آنها، با استفاده از برنامه هایی از قبیل فونکود که توسط دفتر رئیس جمهور تأمین مالی می شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پی‌نوشت‌ها:

۱- سنجه حاکمیت قانون از خدمات ریسک سیاسی راهنمای ریسک سیاسی بین‌الملل و سنجه‌های نظارت و موازنه و انتخابات رقابتی از پایگاه داده‌های نهادهای سیاسی هستند. اینها را در زیر بحث کردیم.

۲- براساس شاخص‌های توسعه جهانی برای PPP (برابری قدرت خرید) که با درآمد سرانه تعدیل شده است و با استفاده از بانک اطلاعاتی متغیرهای نهادهای سیاسی برای شاخص رقابت انتخاباتی قوه مجریه (EIEC) و شاخص رقابت انتخاباتی قوه مقننه (LIEC) و دوره تصدی نظام (tensys) که در زیر به طور مفصل تبیین می‌شود.

۳- ترجیحات حامی در اینجا به یک مسئله عام در اقتصاد سیاسی ربط پیدا می‌کند. وقتی سیاستمداران، هواداران محدودی دارند، برای هواداران آسان‌تر است که به سیاستمدارانی بابت خدمات عمومی اعتبار دهند که این خدمات عمومی را فقط هواداران حامی و نه کس دیگری دریافت می‌کند نسبت به خدمات عمومی که به همه شهروندان نفع می‌رساند و بسیاری از سیاستمداران می‌توانند در ارایه آن نقش داشته باشند (مثلاً مایهو ۱۹۷۴).

۴- ادبیات در این زمینه (نورث و وینگاست ۱۹۸۹، عجم اوغلو و همکاران ۲۰۰۲، کلیگ و همکاران ۱۹۹۶) نوعاً استدلال می‌کنند که تضمین حقوق مالکیت و قراردادها، حاصل نظارت و موازنه سیاسی هستند که در تلاش دولت برای مصادره دارایی‌ها موانع نهادی ایجاد می‌کنند. اما از لحاظ تجربی، نظارت و موازنه سیاسی، پیش‌بینی‌کننده ضعیف سنجه‌های حقوق مالکیت استفاده شده در اینجا هستند. انگیزه‌های واگرایی سیاستمداران در تعقیب منافع عمومی گسترده، مسئله اصلی در تحلیل است که توضیح می‌دهد چرا نظارت و موازنه، همیشه تضمین‌کننده قوی امنیت حقوق مالکیت نیست.

۵- این تعریف از حاکمیت قانون تنها تعریف نیست. اما مشخصه‌های این تعریف در هر تعریفی به درستی جای می‌گیرد و با شاخص حاکمیت قانون واحد ریسک سیاسی هم خوانی دارد.

۶- در اصل، نرخ ثبت نام مدارس ابتدایی را نیز می‌توان استفاده کرد اما در اکثر کشورها اکثریت بچه‌ها به مدارس ابتدایی می‌روند. ضریب تغییرات در نمونه استفاده شده اینجا برای ثبت نام مدارس ابتدایی ۱۷/۶ درصد و برای ثبت نام مدارس متوسط ۵۰/۸ درصد است.

۷- بالو (۱۹۹۶) همچنین نتیجه می‌گیرد که سوابق خوب دانشگاهی درخواست‌کننده شغل معلمی، نقش اندکی در تقویت شانس او برای استخدام به عنوان معلم در ایالات متحده دارند و استدلال می‌کند علت آن است که مشوق‌های مدیران آموزش و پرورش، ارتباط ضعیفی با عملکرد کلاس درس و دستاوردهای دانش‌آموز دارد تا مدیران را تحریک به قرارداد وزن بیشتر بر سوابق موفقیت‌آمیز دانشگاهی درخواست‌کننده بنماید حتی وقتی که این عامل با عملکرد بهتر کلاس درس ارتباط دارد.

۸- DPI از ۱۹۷۵ شروع می‌شود. برای برقرار بودن تعداد سال‌های پیوسته دموکراسی در ۱۹۷۴، از متغیر «عمر دموکراسی» کلیگ و همکاران (۱۹۹۶) استفاده گردید. روش‌شناسی آنها، عمر قدیمی‌ترین دموکراسی‌ها را کاهش می‌دهد به طوری که حداکثر سال‌های پیوسته انتخابات در سال ۲۰۰۰ که در زیر تحلیل گردیده است ۷۰ است که برای ۱۹ کشور بدست آمد.

۹- Attenuation Bias

۱۰- برای استخراج کامل آن به پیوست ۱ مراجعه کنید.

۱۱- رابطه بین فقر یا تسلط بخش کشاورزی و بی‌ثباتی دموکراتیک به خوبی ثابت شده است (پرزورسکی و همکاران ۲۰۰۰، بویکس و استوکس ۲۰۰۳، بویکس ۲۰۰۱). این روابط نوعاً برحسب منازعه طبقاتی، بازدهی حاشیه‌ای به سرمایه در کشورهای فقیر و بازتوزیع ثروت توضیح داده می‌شود (برای خلاصه‌ای از بحث به بویکس و استوکس نگاه کنید). برخلاف این تبیین، استدلال در اینجا جنبه‌های کلیدی رقابت سیاسی را در نظر می‌گیرد (مثلاً اینکه آیا رأی‌دهندگان بی‌اطلاع یا با اطلاع هستند یا سیاستمداران معتبر یا بی‌اعتبار هستند) به طور منظم در بین دموکراسی‌ها تفاوت می‌کند و اینکه احزاب مبتنی بر طبقه و منازعه بر سر توزیع ثروت در اکثر دموکراسی‌های جوان و فقیر، نادر هستند.



۱۲- اگر سه متغیر کنترل، عوامل تعیین کننده اعتبار سیاسی هستند، علایم آنها باید با استدلال‌های اعتباری که قبلاً مطرح شد سازگار باشد. در همه این موارد که ضرایب تخمینی متغیرها معنادار هستند. علایم آنها با فرضیه اعتبار سازگاری دارد: فساد پایین تر است، ارائه کالای عمومی بالاتر است و کالاهای هدفمند کمتری ارائه می‌شوند اگر درآمد بیشتر باشد؛ فساد و هزینه حقوق و دستمزد دولتی بالاتر است و ارائه کالای عمومی پایین تر است زمانی که جمعیت جوان تر است.

۱۳- کلیگ و همکاران (۱۹۹۶) و تریمان (۲۰۰۰) متوجه شدند سنج‌های عمر دموکراسی رابطه مثبتی با حاکمیت قانون و فساد دارند اما این یافته را توضیح نمی‌دهند. نتایج در اینجا و در ادامه، یافته‌های آنها را به سه شیوه بسط می‌دهد. نخست اینکه نتایج اینجا، آزمون‌های تبیین‌های مشخص را منعکس می‌سازد که چرا عمر دموکراسی باید برای انگیزه‌های سیاسی حفظ حاکمیت قانون یا رانت جویی اهمیت داشته باشد سال‌های انتخابات صرفاً یک متغیر کنترل اضافی نیست. دوم اینکه تخمین‌های در اینجا براساس یک سنج عینی از دموکراسی است که بر نهاد مشخص رای دادن تأکید دارد به جای ویژگی‌های گسترده‌تر دموکراسی. سرانجام، نتایج در اینجا در برابر تعدادی تبیین‌های بدیل مستحکم باقی ماندند.

۱۴- اینها دو تا از چندین متغیری هستند که در ادبیات پیوند دهنده برون‌دادهای بین کشوری به متغیرهای نهادی، به شکل استاندارد در آمدند. سایرین (از قبیل نرخ مرگ و میر مستعمره‌نشینان، نسبت جمعیت انگلیسی زبان، سال‌های پس از استقلال) قابلیت ابزار شدن ندارند چون که عوامل تعیین‌کننده معناداری در تعداد سال‌های پیوسته انتخابات رقابتی نیستند.

۱۵- برای مروری بر این یافته‌ها به کيفر و خماني (۲۰۰۳) مراجعه کنید.

۱۶- آنها سه گروه رأی‌دهنده را فرض می‌گیرند. رأی‌دهندگان گروه یک، در مجموع یک حزب را مستقل از سیاست‌های مورد حمایت آن حزب ترجیح می‌دهند. رأی‌دهندگان گروه دوم، حزب دیگر را ترجیح می‌دهند؛ رأی‌دهندگان گروه سوم، در مجموع بی‌تفاوت هستند. براساس ساخت مدل، قطب‌بندی از جانبدو گروه نخست کاهش می‌یابد همچنان که همگونی درون گروهی افزایش می‌یابد. در حالت کاهش قطب‌بندی (ناهمگونی افزایش می‌یابد) نسبت به گروه میانگین رأی‌دهندگان مستقل (سرگردان)، دولت‌ها رأی‌های کمتری را از گروه‌های افراطی تر از دست می‌دهند وقتی که منابع را از ارائه کالای عمومی به کالاهای هدفمندی انتقال می‌دهند که فقط به گروه مستقل فایده می‌رساند. بنابراین پرداخت‌های انتقالی افزایش می‌یابد اما رانت جویی کاهش می‌یابد. چون افزایش رقابت برای حمایت از رأی‌دهندگان مستقل، سیاستمداران را مجبور به صرف نظر کردن از رانت جویی می‌کند. اما با وجود سایر توزیع‌های ترجیحات، سایر برون‌دادهای امکان‌پذیر است. برای مثال اگر ۵۱ درصد رأی‌دهندگان گرایش ایدئولوژیکی به سمت یک حزب دارند، و ۴۹ درصد قویاً مخالف حزب هستند، ۵۱ درصد تمایلی به کنار گذاشتن «حزب خودشان» نخواهند داشت حتی اگر رانت جویی همه‌جاگیر باشد. در نظام‌های انتخاباتی اکثریت آراء، قطب‌بندی هیچ اثری ندارد چون که رقبا فقط به رأی‌دهندگان مستقل زیر لوای همه توزیع‌های ایدئولوژیکی اهمیت می‌دهند.

۱۷- اگر وعده‌های پیش‌انتخاباتی معتبر باشد، نواحی مستقل، توجه نامتناسبی در نظام‌های اکثریت آراء کسب می‌کنند. بنابراین پرداخت‌های انتقالی هدفمند بالاتر و ارائه کالاهای عمومی پایین‌تر خواهد بود همانند مدل اعتبار اندک، اما برخلاف حالت اعتبار اندک، رانت‌ها تحت نظام‌های اکثریت آراء نیز پایین تر است. اگر وعده‌ها معتبر نباشند و سیاستمداران هیچ کاری برای افزایش اعتبار خود نکنند، پرداخت‌های انتقالی نقشی در تصمیم‌گیری رأی‌دهنده ایفا نکرده و آنها در همه نظام‌های انتخاباتی به سمت صفر می‌روند، چه نظام تقسیم قدرت به نسبت آراء یا اکثریت آراء. باشد با این حال رانت‌ها تحت قواعد انتخاباتی اکثریت آراء بالاتر خواهند بود.

۱۸- استرومرگ (۲۰۰۱) مسئله اطلاعاتی مشابه را ملاحظه می‌کند اما فرض می‌گیرد می‌توان وعده‌های پیش‌انتخاباتی معتبر داد و نشان می‌دهد خانوارهایی که رادیو داشتند احتمال بیشتری می‌رفت پرداخت‌های انتقالی از یک برنامه دولتی ایالات متحده طی بحران بزرگ دریافت نمایند.

۱۹- سال‌های بر سر کار بودن رهبر تا حد معناداری، سهم بازار روزنامه‌های دولتی و نیز حاکمیت قانون و کیفیت نظام اداری را در تصریح افزایش می‌دهد اما در غیر سایر موارد معنادار نیست.

- Acemoglu, Daron, James A. Robinson and Simon Johnson (2002). "Reversal of Fortune: Geography and Institutions in the Making of the Modern World." *Quarterly Journal of Economics*. 117: 1231 – 1294 (November).
- Adserà, Alicia, Carlos Boix and Mark Payne (2003). "Are you being served? Political accountability and governmental performance." *Journal of Law, Economics and Organization* 19:445-490 (October).
- Alesina, Alberto, Reza Baqir and William Easterly (1999). "Public Goods and Ethnic Divisions". *The Quarterly Journal of Economics*, 1243-1284 (November)
- Ballou, Dale (1996). "Do Public Schools Hire the Best Applicants?" *The Quarterly Journal of Economics* 111:1, 97 – 133 (February).
- Baum, Matthew and David Lake (2003). "The Political Economy of Growth: Democracy and Human Capital." *American Journal of Political Science* 47:2, 333-347 (April).
- Beck, Thorsten, George Clarke, Alberto Groff, Philip Keefer and Patrick Walsh (2001). "New Tools in Comparative Political Economy: The Database of Political Institutions." *World Bank Economic Review*, 15(1): 165-176.
- Besley, T. and R. Burgess (2003). "The Political Economy of Government Responsiveness: Theory and Evidence from India". *Quarterly Journal of Economics*, Forthcoming
- Boix, Carles (2001). "Democracy, Development and the Public Sector." *American Journal of Political Science* 45:1, 1-17.
- _____ and Susan Stokes (2003). "Endogenous Democratization." *World Politics* 55:4, 517-549.
- Bommier, Antoine and Sylvie Lambert (2000). "Education demand and age at school enrollment in Tanzania." *The Journal of Human Resources*. 35:1, 177-203 (Winter).
- Carlson, Beverly A. (2000). "Achieving Educational Quality: What Schools Teach Us – Learning from Chile's P900 Primary Schools." *Serie Desarrollo Productivo* No. 64, CEPAL, Santiago, Chile (January).
- Christopher Clague, Philip Keefer, Stephen Knack and Mancur Olson (1996). "Property and Contract Rights under Democracy and Dictatorship." *The Journal of Economic Growth* 1:2, 243-276 (June).
- Cox, Gary W. (1987). *The Efficient Secret: The Cabinet and the development of political parties in Victorian England*. New York: Cambridge University Press.

- _____ and Mathew McCubbins (1986). "Electoral Politics as a Redistributive Game." *Journal of Politics*. 48: 370 – 389.
- Dixit, Avinash and John Londregan (1996). "The Determinants of Success of Special Interests in Redistributive Politics." *Journal of Politics* 58: 1132-1155.
- Djankov, Simeon, Caralee McLiesh, Tatiana Nenova and Andrei Shleifer (2003). *Journal of Law and Economics* 46:2 (October).
- Duncan Baretta, Si Ivio R. and John Markoff (1987). "Brazil's Abertura: A transition from what to what?" In Seligson and Malloy, eds., 43 – 66.
- Ehrenberg, Ronald G., Randy A. Ehrenberg, Daniel I. Rees, Eric L. Ehrenberg (1991). "School District Leave Policies, Teacher Absenteeism, and Student Achievement." *Journal of Human Resources* 26:1, 72-105 (Winter).
- Engerman, Stanley L. and Kenneth L. Sokoloff (2001). "The Evolution of Suffrage Institutions in the New World." NBER Working Paper No. 8512 (October).
- _____ (2002). "Factor endowments, inequality and paths of development among New World economies." NBER Working Paper No. 9259 (October).
- Ferejohn, John (1986). "Incumbent performance and electoral control." *Public Choice* 50: 5-26.
- Glewwe, Paul and Hanan Jacoby (1994). "Student Achievement and Schooling Choice in Low -Income Countries: Evidence from Ghana." *The Journal of Human Resources* 29:3, 843-864.
- Grossman, Gene M. and Elhanan Helpman (1996). "Electoral Competition and Special Interest Politics." *The Review of Economic Studies*. 63: 2, 265-286.
- Hanushek, Eric A. (1996). "Measuring Investment in Education." *Journal of Economic Perspectives* 10:1, 9-30 (Fall).
- _____, John Kain, Daniel O'Brien and Steven Rifkin (2005). "The Market for Teacher Quality." NBER Working Paper W11154 (February).
- Harber, Clive (1989). *Politics in African Education*. London: Macmillan.
- Huntington, Samuel P. (1971). "The Change to Change: Modernization, Development and Politics." *Comparative Politics*. 3:3, 283-322 (April).
- Keefer, Philip and Stephen Knack (2002). "Boondoggles and expropriation: rent -seeking and policy distortion when property rights are insecure." World Bank Policy Research Working Paper 2910 (October).
- _____ (2002). "Polarization, Property Rights and the Links between Inequality and Growth." *Public Choice*. 111:1-2, 127-154 (March).



- Kitschelt, Herbert (2003). "The Demise of Clientelism in Affluent Capitalist Democracies: A political-economic explanation." Mimeo. Duke University Department of Political Science.
- Knack, Stephen and Philip Keefer (1995). "Institutions and Economic Performance: Cross-Country Tests Using Alternative Institutional Measures." *Economics and Politics* 7:3, 207-228 (November).
- Libecap, Gary D. and Ronald N. Johnson (1994). *The Federal Civil Service System and the Problem of Bureaucracy: The Economics and Politics of Institutional Change*. National Bureau of Economic Research Series on Long-term Factors in Economic Development. Chicago and London: University of Chicago Press.
- Lindert, Peter H. (2003). "Voice and Growth: Was Churchill Right?" *Journal of Economic History*. 63:2, 315 – 350 (June).
- Londregan, John B. and Keith T. Poole (1990). "Poverty, the Coup Trap, and the Seizure of Executive Power." *World Politics* 42:2 (January) , 151-183.
- Malloy, James M. and Mitchell A. Seligson, eds. (1987). *Authoritarians and Democrats: Regime Transition in Latin America*. Pittsburgh: University of Pittsburg Press.
- Mayhew, David (1974). *Congress: The Electoral Connection*. New Haven: Yale University Press.
- Michaelowa, Katharina (2001). "Primary Education Quality in Francophone Sub-Saharan Africa: Determinants of Learning Achievement and Efficiency Considerations." *World Development* 29:10, 1699-1716.
- North, Douglass C. and Barry R. Weingast (1989). "Constitutions and Commitment: The Evolution of Institutions Governing Public Choice in Seventeenth-Century England." *Journal of Economic History*. 49:4, 803-32 (December).
- Persson, Torsten and Guido Tabellini (2000). *Political Economics: Explaining Public Policy*. Cambridge, MA: The MIT Press.
- _____ and Francesco Trebbi (2003). "Electoral Rules and Corruption." *Journal of the European Economic Association*. 1:4 958-89 (June).
- Przeworski, Adam, Michael E. Alvarez, Jose Antonio Cheibub and Fernando Limongi (2000). *Democracy and Development: Political Institutions and Well-being in the World, 1950 – 1990*. (New York: Cambridge University Press).
- Rosenberg, Mark (1987). "Political Obstacles to Democracy in Central America." In Malloy and Seligson, eds, p. 193 – 218.

- Sanmartín, Marta (2001). "Linearity of the return to education and self-selection." *Applied Economics* 33 (103 – 142).
- Scott, James C. (1972). "Patron-Client Politics and Political Change in Southeast Asia." *American Political Science Review* 66: 1, 91 – 113 (March).
- Shefter, Martin (1994). *Political Parties and the State. The American Historical Experience*. Princeton: Princeton University Press.
- Stromberg, David (2001) "Radio's Impact on New Deal Spending", mimeo, Princeton University.
- Treisman, Daniel (2000). "The Causes of Corruption: A Cross-National Study." *Journal of Public Economics*. 76:3, 225-56 (July-September).



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

